

<http://khazaei.mr.googlepages.com/purepersian>

<http://www.farsisare.com>

<http://farsi-sare.khorshidvash.com/>

<http://aryaadib.blogfa.com>

واژه نامه پارسی سره

انجمن فارسی سره

فورشیدوش

زبان و ادبیات فارسی

با استفاده از بندواژه های زیر می‌توانید به بخش مورد دل‌بستگی خود بروید

آ - ا - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز  
ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ  
ل - م - ن - و - ه - ی

آ

آب زندگی	آب حیات
نیاکان، پدران	آباء
پدران برین	آباء علوی
نورتاب	آبازور
هم وید	آبونه
به روز آمده	آپ تو دیت
به روز آوردن	آپ تو دیت کردن
کارگاه هنری	آتلیه
آینده	آتی، آتیه
یادبودها، یادگاره، نشانه ها	آثار
آگور، آژیانه	آجر
درآینده، پس آینده، دیرس	آجل
تک ها، یکان، یک ها	آحاد
پایان، انجام، واپسین، پسین	آخر
سرانجام	آخر الامر
رستاخیز، روز واپسین	آخرت
پایان روزگار	آخر زمان
پسین، دیگر	آخری
واپسین، پایانی، پسینیان، دگران، پسین، بازپسین	آخرین
فرهنگ ها، روش ها، آیین ها	آداب
سقز	آدامس
نشانی	آدرس
آذرآبادگان	آذربایجان

آراء	راه ها، رای ها، اندیشه ها
آرتیست	هنرمند، هنرپیشه، هنرور
آرشیو	بایگانی
آرم	نشان
آزمایشات	آزمایش ها
آژانس	کارگزار، نمایندگی
آژانس مسافرتی	سفرگذار
آس	تکخال
آسانسور	بالابر، آسانرو
آفاق	کنارهامون، کران تا کران، کرانه ها
آفت	آگفت، آسیب، گزند
آل	دوده، تبار، خاندان
آل بویه	خاندان بویه
آلام	رنج ها، دردها،
آلبوم	جُنگ
آلت	ابزار، افراز
آلت قتاله	کُشت افزار
آمال	آرمان ها، آرزوها، امیدها
آمین	ایدون باد، چنین باد
آن	دم، هنگام
آنتیک	باستانی، دیرینه، کهن سال
آن جناب	سرکار
آن را باطل کردم	آن را تباه کردم
آنأ	همان دم، بیکدم، دردم
آنالوژی	فراسنجی
آنالیز	آنکاو
آنتی بیوتیک	پادزیست
آنتی تز	پادنهاده، پادنهشت
آنطور	آنگونه
آنقدر	آنگونه
آنوقت	آنگاه
آکلاد	ابرو
آی کیو	هوشبهر
آیات	نشانی ها، نشانه ها، نشانه
آینه محدب	آینه کاو
آیه	یادگار، چمراس، نشانی
آینه مقعر	آینه کوژ

بازگشت	ا
همایه	انتلاف
سرپیچی کردن	اباء کردن
یاوه ها	ابطایل
نخست	ابتدا
آغازین، ساده	ابتدایی
ساده ترین، نخستین	ابتدایی ترین
آلودگی، دچار شدن، گرفتاری	ابتلا
دچاری، دچار شدن، دامن گیری	ابتلاء
نوآوری، نوآوردگی	ابتکار
جاوید، همیشگی، همیشه	ابد
هرگز، همیشه، هیچگاه	ابدأ
از سر گرفتن، آغازیدن	ابداء
نوآوری، نو آفرینی، آفریدن	ابداع
نوآفریدن	ابداع کردن
جاوید، همیشگی	ابدی
همیشگی، جاودانگی	ابدیت
نشان دادن، آشکار کردن، نمایش	إبراز
پافشاری، پافشاری کردن، استوار کردن	ابرام
ناچیز کردن	ابطال
رساندن، رسانیدن	ابلاغ
ابلق، سیاه سفید، دورنگ	ابلق
سبک سر	ابله
اهریمن، کخ ژنده	ابلیس
پورسینا	ابن سینا
ساختمان ها، خانه ها	ابنیه
پیچیدگی، سر بستگی	ابهام
شکوه	ابهت
همه گیری	اپیدمی
کارور	اپراتور
موکشی	اپیلاسیون
شهروندان	اتباع
همبستگی، یکپارچگی، هماهنگی، یگانگی	اتحاد
درگرفتن، فراگرفتن	اتخاذ
پیوستگی، پیوندیدن، پیوستن، به هم پیوستن	اتصال

اتفاق	پیامد، رخ داد، پیشامد، رویداد
اتفاق آرا	یگانگی باورها، یگانگی دیدگاهها
اتفاق افتاد	رخ داد
اتفاق افتادن	رخ دادن، روی دادن
اتفاقاً	یکباره
اتفاقات	رویداد ها
اتفاقی	گذرانده، ناگهانی، خودبخودی، گذری، پیش آمدی
اتلاف	تباه کردن، نیست کردن، نابودی
اتلاف کردن	نابودکردن
اتمام	به پایان رساندن، فرجام، پایان، انجام، سرانجام، سپردن
اتمام کردن	سپردن، انجام رسانیدن، سپری کردن
اتمامگر	پایانگر
اتهام	چفته
اتویبا	آرمانشهر
اتوماتیک	خودکار، خودبخود
اتومبیل	خودرو
اتکاء	پشت دادن بر
اتیکت	بها نما، برچسب
اثاث	کاچال
اثبات	استانش
اثبات کردن	فنودن
اثر	هنایش، نوزند، نوشته، نشانه، آفرینه
اثر داشتن	کارآیی داشتن
اثرگذاشتن	هناییدن
اثرکردن	هناییدن
اثم	ناشایست
اتشاء	هنگام
اثنی عشر	دوازدهه
اجابت	پاسخ، برآوری، پاسخ دادن
اجابت کردن	برآوردن، پاسخ دادن، پذیرفتن
اجاره	کرایه
اجازه	پروانه
اجازه دادن	هستن، باردادن، پروانه دادن، گذاشتن
اجانب	بیگانگان
اجبار	زور، واداری، واداشتن، بایستگی
اجباری	ناخواسته، به زور
اجتماع	انجمن، گردآمدن

اجتماعی	همبودی، همبودین
اجتناب	دوری، پرهیز، گریز، پرهیزکردن
اجتناب ناپذیر	دوری ناپذیر، پرهیزناپذیر، پیشگیری ناپذیر، ناگزیر
اجتهاد	کوشش، استادی
اجحاف	زور گویی کردن
اجداد	نیاکان
اجرا	کارگزاری، انجام
اجراء	کار بستن، انجام دادن
اجرائیه	انجامنامه
اجراکردن	به انجام رساندن
اجرایی	انجامی
اجرت	مزد، دستمزد
اجزاء	پاره ها، اندام ها
اجساد	پیکرها
اجلاس	نشست
اجماع	سازگاری کردن، هم رایبی
اجمال	فشرده کردن، کوتاهی کردن
اجمالاً	به کوتاهی
اجناس	کالاها
اجنبی	بیگانه
اجیر	مزدبگیر، مزدور، دست نشانده
احاطه	گردبرآمدن، فراگرفتن
احاطه کردن	گرداندن
احتذار	پرهیز، پرهیزکردن، دوری
احتذارکردن	پرهیز کردن، دوری کردن
احتراز	پرهیز کردن
احتراق	آتش سوزی، آتش گرفتن
احترام	ستایش، پاس، ارج، بزرگداری، بزرگداشت، شکوهیدن، آزمون
احترام گذاشتن	پاسداشتن، ارج نهادن، ستاییدن
احتراماً	با ستایش، با بزرگداشت، ارجمندانه
احتساب	بشمار آوردن، شمردن
احتضار	مرگ
احتمال	گرایند، گمان، گمانه، شایمندی
احتمال دادن	گاسیدن
احتمالاً	شاید، چه بسا، گمانم، گاس که، گاسم
احتیاج	نیاز، نیازمندی
احتیاط	پروا، دوراندیشیدن، دوراندیشی، استوارکاری

یگتا، یگانه	احد
ساخت، پدیدآوردن	احداث
هیچکسی	احدی
به دست آوردن، داراشدن	احرازکردن
شور، دریافت، برداشت	احساس
سوهیدن	احساس کردن
سوهشیک گشتن	احساساتی شدن
نکوئی، نکوکاری	احسان
نیکی کردن، نیکوداشتن	احسان کردن
خوشترین، نیکوترین	احسن
نیکوترین آفرینندگان	احسن الخالقین
آفرین	احسنت، برکه الله
اندرونه	احشاء
ستوران، چهارپایان	احشام
خواندن، فراخوان	احضار
فراخوانده، خواستن، خواندن، فراخواستن	احضارکردن
خواست برگ، پیداخواست	احضاریه
فرا خواندن	احظارکردن
سزاوارتر	احق
دادرسی، دادگری	احقاق
سرخ	احمر
نادان، کودن، بیخرد، ساده مرد، کم خرد	احمق
برگذشت، چگونگی	احوال
فرمان ها، دستورها	احکام
کاهش	احیا
زندگان، زنده داری، زنده کردن، باززیست، زنده ساختن	احیاء
زنده کردن	احیاء کردن
شاید، گاهگاه، اگر	احیاناً
تلکه، زورگیری	اخاذی
تازه ها	اخبار
نوگو	اخباری
پایان	اختتام
نوآوری، نخست سازی، برساخته	اختراع
کوتاهی، چکیده، کوتاه، کوتاه کردن	اختصار
واگذارکردن، ویژه کردن	اختصاص دادن
خودویژگی	اختصاصی
ناپدیدگی، نهفتن، پنهان شدن	اختفاء

اختلاط	درهمی، آمیزش، همامیزی، آمیختگی، آمیختن، درهم شدن
اختلاف	ناسازگاری، ناجوربودن، دوگانگی، ناهمسانی، ناسازی، دگرمانی، نایکسانی
اختلال	نابسامانی، آشفتگی، پراکندگی، ناهماهنگی، پریشانی، شوریدگی
اختناق	خفگی، فشار، تنگنا
اختیار	توانایی
اختیاری	کامیک
اخذ	گرفتن، دریافت، فراستاندن
اخراج	کنارگزاری، بیرون کردن، بیرون فرستادن
اخروی	آن جهانی
اخطار	هشدار، آگاهانیدن
اخطار دادن	هشدار دادن، آگاهانیدن
اخطاریه	یادبرگ
اخفاء	نهفتن، پنهان کردن، نهان کردن
اخلاص	یکرنگی، پاکدلی
اخلاط اربعه	چهار آمیغ
آخلاف	جانشینان، پس آیندگان، پسینان
اخلاق	خو، منش، خوی ها، منش ها، فراخویی، منش شناسی
اخلال	دستبری، بهم زدن
اخوت	برادری
اخوی	برادر
اخیر	واپسین، تازه، پسین، فرجامین، پایانی، واپسینه، به تازگی
اخیر التأسيس	نوبنیاد، نوساز
اخيراً	تازگی
اداره	سازمان، ستاد، سرپرستی
اداره کل	ستاد، سرپرستی
ادا کردن	به جای آوردن، گزاردن
ادب	فرهنگ
ادراک	پی بردن، دریافت
ادعا	داوش، داو
ادعا کردن	داویدن
ادغام	یکپارچه کردن، یکی کردن
ادوار	دوره ها
اذان	بانگ نماز
اذعان داشتن	خستو شدن
اذیت	آزار
اذیت کردن	پژولیده کرده
ارائه	نمایاندن، پیشکش، پیش آوری، پدیدار کردن

پیش نهادن	ارائه دادن
پیشنهاد کردن	ارائه طریق کردن
روکرد	ارائه کرد
پشتکار، آهنگ، خواست، بازش	اراده
زمین ها	اراضی
ارمنیان	ارامنه
سالار	ارباب
چله	اربعین
پیوند، پیوستگی، بستگی	ارتباط
واپسگری	ارتجاع
گم راهی، از دین برگشتن	ارتداد
لرزه، لرزش، لرزیدن	ارتعاش
بلندی، بلندا	ارتفاع
بالا بردن	ارتقاء
شکسته بندی	ارتوپدی
وامانده، نیامانده، واهشته، مرده ریگ	ارث
وامانده، نیامانده، واهشته، مرده ریگ	ارثیه
بازفرستادن، فرستادن	ارجاع
خواروبار	ارزاق
فرستادن	ارسال کردن
راهنمایی	ارشاد
بزرگتر، فرازین، ارجمند، برتر، سرآمد	ارشد
آسانگیری، سو	ارفاق
سودار	ارفاقی
پایه ها	ارکان
همنوازی	ارکستر
سازواره، اندامه	ارگانیسم
اندامی، انداموار، پیکری	ارگانیک
تخت	اریکه
تخت فرمانروایی	اریکه فرمانروایی
از . . . برآمده است	از . . . ناشی شده است
از . . . برمی آید	از . . . ناشی میشود
از آن میان، همانند	از آن جمله
پس از آن روز	از آن روز به بعد
از آغاز	از اوایل
از این رو	از این جهت
از این روش، از این راه	از این طریق



از این قبیل	از این دست
از این نظر	از این رو
از بین بردن	از میان بردن
از جانب	از سوی
از جمله	از دسته، از آنگونه
از حیث	از دید
از طرف دیگر	از سوی دیگر
از طریق	از راه
از قدیم	دیرباز
از این قبیل	از این دست
از بدو پیدایش	از آغاز پیدایش
از جمله کارهای نیکو	از دسته کارهای نیکو
از دحام	انبوهی
از دواج	زناشویی، پیوند زناشویی، همسرگیری
از صمیم قلب	از ته دل
از قبیل	همچون، مانند، همانند، بمانند
از لحاظ	برای
اسانه	شکستن
استادید	استادان
اساس	بنیاد، شالوده، پایه، زیرساخت
اساسنامه	بنیادنامه
اساسی	بنیادی، بنیادین
اسباب سفر	توشه
اسبق	پیشینیان، گذشتگان، پیشین
اسپانسر	پشتیبان
اسپری	آفشانه
استاتیک	ایستادی، ایستاده
استادیوم	ورزشگاه
استاندارد	هنجار، نمونه پذیرفته شده
استبداد	تکسالاری، خودکامگی، خودسری
استجابت	پذیرفتن، پذیرش
استحصال	برداشت
استحضار	آگاهی، پیدایش
استحقاق	شایستگی، سزاواری
استحمام	خودشویی
استحکام	استواری
استحکامات	سنگربندی ها

کارگماری، بکارگیری، کاردهی، بکارگماردن	استخدام
برون آوری، بیرون آوردن	استخراج
خواهش می کنم، درخواست می کنم	استدعا میکنم
خواهش کردن، درخواست کردن	استدعا کردن
فرمایش، شونداوری، فرنودزنی، فرنودآوری	استدلال
راهبرد	استراتژی
راهبردی	استراتژیک
آرمیدن، آسودن، دراز کشیدن	استراحت
شنود، فالگوش ایستادن	استراق سمع
واپسداد، بازگرداندن، پس گیری، بازپس خواستن	استرداد
بوکردن، بوییدن	استشمام
گواهی	استشهاد
راهنمایی خواهی	استصواب
توانایی، درونداشت	استعداد
کناره گیری	استعفا
کاربرد، بکارگیری	استعمال
آمزش	استغفار
کاربرد، بکارگیری، کاربری	استفاده
به کارگیری	استفاده از
پایداری، پایمردی، ایستادگی	استقامت
پیشباز، پیشواز، پذیره شدن	استقبال
برپایی	استقرار
خودسالاری	استقلال
خودبزرگ پنداری، خودنمایی، گردنکشی	استکبار
گوش دادن	استماع
ادامه، پیوستگی	استمرار
گواهمندی، گواه	استناد
برداشت، اندریافت، برداشت کردن	استنباط
اندریافتن	استنباط کردن
بدست آوردن	استنتاج
بوییدن	استنشاق
سرباززنی، خودداری	استنکاف
ریشخند	استهزاء
فرسایش، فرسودگی	استهلاک
کرایه ای	استیجاری
بازخواست	استیضاح
چیرگی	استیلا

استیناف	از سر گرفتن، دوباره آغاز کردن، واریسی
اسرار	رازها
اسراف	ریخت و پاش، بددستی، هدر دادن، زیاده روی
اسطوره	افسانه، داستان، استوره
اسقاطی	ناکارآمد
اسلاف	پیشینیان، گذشتگان
اسلحه	جنگ افزار
اسم	نام
اسکلت	استخوان بندی
اسکله	بارانداز
اسیر	دستگیر، برده، دربند، گرفتار
اشاعه	گسترش
اشتباه	لغزش، نادرستی، نرسپان
اشتباهاً	ندانسته
اشتراک	انبارش
اشتعال	افروزش، شعله ورشدن
اشتغال	کارگماری
اشتقاق	برگیری
اشتهار	ناموری، بلند آوازی
اشتیاق	شور، آرزومندی
اشرار	آشوبگران
أشرف	بزرگان، بزرگواران، بلندپایگان
إشراف	فرونگرستن، دیده وری
اشعار	سروده ها
اشعه	فروزه، پرتو
أشكال	دیسسه ها، ریخت ها
إشكال	خرده، خرده، چالش، دشواری، سختی، پیچیدگی
اصالت	تبارمندی، نیک نژادی
اصحاب	یاران
اصرار	پافشاری
اصطلاح	زبان زد
اصطلاحات	واژگان
اصطکاک	سایش، مالش
اصفهان	اسپهان، اسپاهان
اصل	ریشه، بن، بیخ، بنیاد
اصل و فرد	مهاد و کهاد
اصلاح	بازسازی

اصلا	از هیچ پاره، هرگز، از بن، از بیخ
اصلاحیه	بازنویسی
اصلی	هسته ای، بنیادین
اصلی ترین	ریشه ای ترین
اصولی	بنیادی، بنیادین، ریشه ای
اصیل	ریشه دار، نژاده، گوهری، تبارمند
اضافه کردن	افزودن
اضافی	افزودنی، دیگر
اضطراب	پریشانی، آسیمه سری، سرآسیمگی، شوریدگی، بی تابی، آشفتگی
اضطراری	نیازین
اضمحلال	نابودی
اطاعت	پیروی، فرمانبرداری
اطاعت کردن	سرخم کردن، فرمان بردن
اطاعت می شود	به روی چشم
اطاق	اتاق
اطراف	گوشه ها، کناره ها، پیرامون
اطرافیان	خویشان، نزدیکان، پیرامونیان
اطریش	اتریش
اطفال	کودکان
اطلاع	آگاهی، آگاهبود
اطلاع ثانوی	آگهی پس از این
اطلاعات	داده ها، درونداد
اطلاعیه	آگهی
اطمینان	آسودگی، استواری
اطمینان خاطر	رامش
اظهار داشت	بازگو کرد
اظهار نظر	بازگویی دیدگاه
اعتبارنامه	استوارنامه
اعتدال	میانه روی، ترازینه
اعتدال بهاری	ترازینه
اعتراف	پذیرش، پذیرا، بروز دادن، خستو شدن
اعتراض	واخواهی، واخواست، خرده گیری
اعتصاب	دست از کار کشیدن
اعتصاب غذا	کام پرهیزی
اعتصاب کاری	کار پرهیزی
اعتقاد	باور، باورکردن
اعتقادات	باورها

اعتماد	باور، پشتگرمی
اعتماد به نفس	خودباوری
اعتماد متقابل	همباوری
اعتنا	پروا، روی آوری، پرداختن
اعجاب انگیز	شگفت انگیز
اعدام	جان ستادن
اعدام کردن	سربه نیست کردن
اعراب	تازیان
اعراض	رویگردانی
اعزام	گسیل، فرستادن
اعزام کردن	گسیل داشتن
اعضا	اندام ها، هموندان
اعطا	پیشکش، داده، بخشش
اعطا کردن	ارزانی داشتن
اعلام نمودن	آگهی دادن
اعلام کردن	آگاه کردن، آگاهانیدن
اعلامیه	چارنامه، بانگنامه
اعلان	آگهی
اعمال	انجام
اعمال کردن	بکار بستن
اعمال نظر	انجام خواسته
اعیاد	جشن ها
اغتشاش	آشفستگی
اغراق	گزاف گوئی
اغلب	بیشتر
افتتاح	گشایش
افتخار	سر بلندی، بالندگی، بالیدن
افتضاح	رسوایی
افراد	کسان، همگان
افرادی	کسانی
افرادیکه	کسانیکه
افراط	زیاده روی
افسوس	دریغا
افشاگری	برون افکنی
افقی	کران، دوردست، فراس، کرانه
افقی	ستانی
افول	فروشت

ماندن، ماندگاری	اقامت
برپاداشتن، بجا آوردن	اقامه
بخت	اقبال
رویکرد همگانی	اقبال عمومی
برگرفتن از	اقتباس
برگرفته از	اقتباس از
همگام شدن، به کسی پیوستن	اقتدا
دست زدن	اقدام
دست زدن	اقدام نمودن
کارها	اقدامات
سر تا سر جهان	اقصى نقاط جهان
سر تا سر جهان	اقصى نقاط دنيا
دورترین جاهای کشور	اقصى نقاط کشور
دست کم	اقلاً
نمونه ها	اقدام
کمتری، کمترین، کمینه	اقلیت
دروغ ها	اکاذیب
یافتن، یافته، نویابی	اکتشاف
بسنده	اکتفا
بسنده	اکتفاء
بسنده کردن	اکتفاء کردن
بسنده کردن	اکتفاکردن
بیشتر	اکثر
بیشتر	اکثراً
بیشتر	اکثرقریت اتفاق
بیشتری، بیشترین	اکثریت
کردها	اکراد
ارج نهادن	اکرام
اکسایش	اکسیداسیون
اکنون، اینگاه، ایدر، همینگاه، هم اکنون	الآن
اگرچه، چراکه نه	البته
پوشاک	البسه
لابه، خواهش	التماس
لابیدن، لابه کردن	التماس کردن
پیوست	الحاق
هم اکنون، بی درنگ	الساعه
تا	الی

الی یا لغایت	تا
اما	لیک، ولی
امام	پیشوا
امام جماعت	پیشنماز
امان	زناهار، پناه
امانی	گروبی
امتحان	آزمون، آزمایش
امتحان کردن	آزمون، آزمایش کردن
امتداد	راستا
امتناع	خودداری، پرهیز
امتناع کردن	خودداری کردن
امتنان	سپاسگذاری
امتیاز	برجستگی، برتری
امتیازات	برتری ها
امثال	همانند
امداد	یاری رسانی
امدادگر	یاری رسان
امر	فرمایش
امرار معاش	گذران زندگی
امرتان چیست؟	فرمایشتان چیست؟
امریه	فرمان نامه
املاح	نمک
أملت	خاگینه
أما	ولی
امنیت	آسودگی، زناهار، ایمنی
اموال	دارایی ها
امکان پذیر	شدنی
امکان دارد	شایسته است، شاید، جادارد
امکانات	دستمایه، ابزارها، آساینده ها
امین	راستین، گرودار
انبساط	گسترده شدن، گستردن
انبیاء	پیامبران، پیغمبران
انتخاب	گزینش، گزینه
انتخابات	گزیدمان
انتشار	افشاندن، پراکنش، چاپ
انتصاب	گماشتن، به کارگماری، گمایش
انتظار	چشمداشت، چشم داشت

انتظار داشتن	چشم داشتن
انتظار می رود	پیش بینی می شود
انتقاد	نکوهش، سره کردن
انتقادکردن	خرده گیری، خرده گرفتن
انتقال	جابجایی
انتقام	تلافی، کینخواهی، ریمنی، تاوان گیری، پی ورزی، کینه توزی
انتها	پایان
انجماد	یخ زدن، بستانکی
انحاء	روش ها
انحراف	لغزش، کجروی، کژروی
انحراف فکر	کج اندیشی
انحرافات	کژی ها
انحصار	ویژه سازی
انحطاط	فرو بودگی، پست شدن، به پستی گراییدن
انحنا	خمیدگی
انرژی	نیرو
انزوا	گوشه گیری
انسان مصنوعی	آدم واره
انسجام	هماهنگی
انسرینگ ماشین	پیامگیر
انشاء الله	به امید خدا، امیدوارم
انصافاً	به درستی، به دادمندی
انصراف دادن	کناره گیری کرد
انضباط	سامان گرفتن، سامان پذیری
انضمام	همراه
انطباق	برابری
انطباط	سامان
انعطاف	نرمش
انعقاد قرارداد	پیمان بستن
انعقادخون	لختگی خون
انعکاس	بازتاب، بازخورد
انعکاس یافتن	بازتابیدن
انفجار	پکیدن، پکش، ترکش، ترکیدن
انفرادی	تنهایی
انفصال	جدایی
انقلاب	جنبش، دگرگونی، دگردیسی
انگشت سیابه	انگشت نشانه



رودها	انهار
نابودی، ویران کردن	انهدام
گونه ها	انواع
پراشیدن	انکسار
اخذ، همدم	انیس
پویانمایی	انیمیشن
میانها	اواسط
سرآغاز	اویل
ناکس	اوباش
چگونگی	اوضاع
نخست، یکم	اول
نخست	اولاً
فرزندان	اولاد
نخستینگی، برتری	اولویت
نخستین	اولین
نخستین	اولیه
مردمان	اهالی
شهروندان	اهالی شهر
خارسازی	اهانت
کوشش، پشتکاری	اهتمام
پیشکش کردن	اهداکردن
اهرام سه گانه	اهرام ثلاثه
اهل خانواده، خانواده	اهل بیت
آرام، رام	اهلی
برجسته ترین	اهم
سهل انگاری، سبکسری	اهمال
ارزش، مهندی	اهمیت
رفت و آمد	ایاب و ذهاب
استان، فرمانروایی	ایالت
روزها	ایام
ایام جوانی	ایام شباب
برپایی، گشایش، ساختن	ایجاد
کارآفرینی	ایجاد اشتغال
برپا شده	ایجاد شده
پدید آوردن	ایجاد کردن
آرمانمندی	ایدئولوژی
رای، اندیشه، آرمان	ایده

آرمانی، دلخواه، بهین آرزو	ایده آل
آرمان گرا	ایده آلیست
آرمان گرایی، خواست اندیشی، ایده باوری، مینو گرایی	ایده آلیسم
ناکارایی، خرده	ایراد
کمبود داشتن، ناکارایی داشتن	ایراد داشتن
خرده گیر	ایرادگیر
سخنرانی کردن	ایرادکردن
ایرانی تبار	ایرانی الاصل
ایرانی گری	ایرانیت
یزدان پیروزگر	ایزدمنان
انجام	ایفا
نمار	ایما و اشاره
باور، باورداشت، گرایش	ایمان
رایانامه	ایمیل
اینگونه، این جور	این طور
تارکده	اینترنت
نمایه	ایندکس
<b>بازگشت</b>	<b>ب</b>
با ریشه، بانژاد، تبارمند	با اصل و نسب
با همه	با تمام
با باورهای گوناگون	با عقاید مختلف
با توانایی	با قابلیت
شایستگی	با لیاقتی
کارکشته	باتجربه
باسپاس	باتشکر
پرهیزگار	باتقوی
باهمه	باتمام
یارا	باجرات
همریش	باجناق
دوستانه	باحسن نیت
آشکار، پدیدار	بارز
آفرین	بارک الله
رمزینه	بارکد
دشمنانه	باسوء نیت
نادرست، تباه، پوچ، بیهوده، یاه	باطل
اندرون، نهاد، سرشت	باطن
درونی، اندرونین، نهادین	باطنی

باعث	مایه، برانگیزنده
باعث عبرت دیگران	مایه پند دیگران
باعقاید مختلف	باباورهای گوناگون
باقابلیت	باتوانایی
باقدمت	دیرین، دیرینه
باقیمانده	مانده
بالاجبار	به ناچار
بالاخره	سر انجام
بالاخص	به ویژه
بالعکس	وارون، واژگونه
بالقوه	نهفته، خفته
بالکن	ایوان
بالیاقت	شایسته
بالیاقتی	شایستگی
باواسطه	بامیانجی
بحبحه	هنگامه
بحث	جستار، گفتمان، کاوش
بحث و تبادل نظر	گفتمان
بحث و مجادله	گفتاورد
بجر	دریا
بجران	چالش
بجرخزر	دریای مازندران
بخیل	چشم تنگ، زُفت
بدجنس	بد نهاد
بدعت	نوآوری
بدن	تن
بدو	آغاز
بدون شک	بی گمان
بدون فوت وقت	بی درنگ
بدل	همتا
بدین طریق	بدین روش
بدین وسیله	بدین گونه
بدیهی	روشن
بذر	دانه، تخم
بذرافشانی	دانه افشانی
بذرشایدن	تخم پاشیدن
بذله گو	شوخ

بر مینای	بر پایه
بر اساس	بر پایه
براق	درخشان، درخشانده
برای مثال	برای نمونه
برحسب	به فراخور
برخی مواقع	گاهی
برعهده	بردوش
برعکس	وارونه، واژگون
برق	روشنایی، کهربا، رخسه، آدرخش، درخشندگی
برقرار	پایدار، استوار، برپا
برهان	پروهان، نخش، فرنود
برودت	سرما
برودتی	سرمایشی
بروز	نمایش، نشان دادن
برکت	فراوانی، افزونی، افزون شدن
برکه	آبگیر
بزاق	آب دهن
بسط	گسترش
بسط دادن	بازکردن، گستردن، گسترانیدن
بسمه تعالی	به نام خدا
بسهولت	به آسانی
بشارت	نوید
بشارت دادن	مژده دادن
بشاش	خندان، خوشرو، خنده رو
بشر	آدمی
بصری	دیداری
بصیر	بینشمند، بینا
بصیرت	بینش، بینشمندی
بطالت	تن آسایی، بیکاری، تن پروری
بطن	درون، نهان
بعد	دیگر، پس، سویگان، فرامون
بعد از	پس از
بعد از ظهر	پس از نیمروز
بعدها	در آینده
بعضاً	گاهی
بعضی	برخی، پاره ای
بعضی اوقات	هراز چند گاهی

گاهی	بعضی مواقع
گاهی	بعضی وقتها
دور	بعید
پایستگی، پایداری	بقا
دیگر، آن دیگرها	بقیه
از بیخ و بن	بکلی
گزند	بلا
بی برنامه	بلا تکلیف
بی برنامه‌گی	بلا تکلیفی
شیوایی، رسایی سخن، زبان آوری	بلاغت
بی درنگ	بلافاصله
فرودادن، اوباریدن، فرو بردن	بلعیدن
فرازمند	بلند مرتبه
بالامنش	بلند طبع
بالش	بلوغ
آری	بلی
سازه، ساختمان	بنا
بنیاد نهادن، بنیان نهادن	بنانهادن
بنیادگذار	بنیانگذار
همراه	به اتفاق
به پاس	به احترام
به گمان بسیار	به احترام زیاد
به آگاهی می رساند	به استحضار می رساند
به همراه، همراه با	به اضافه
به پیوست، به همراه، همراه با	به انضمام
بدین گونه، بدین سان	به این ترتیب
کم کم، گام به گام، اندک اندک، به آهستگی	به تدریج
دهن‌دین	به ترتیب
به گستردگی	به تفصیل
چسان، به چه سان	به چه صورت
به سزا	به حق
برای	به خاطر
به ویژه	به خصوص
به باور	به زعم
با شتاب	به سرعت
بی گمان	به طور حتم
بی گمان	به طور قطع

به ظن من	به گمان من
به عبارتی	به گفته ای
به علاوه	افزون بر آنکه، به همراه، همراه با
به عنوان مثال	برای نمونه
به غلط پنداشت	به نادرست پنداشت
به غیر	جدا از اینکه
به غیر از اینکه	جدا از اینکه
به قول	به گفته
به قول معروف	به گفته کسی، به گفته آشنا
به لحاظ	از دید
به مثابه	به مانند
به مرور زمان	باگذشت زمان
به منظور	برای
به موازات	همراستا
به نحو	به گونه
به نحوی	به گونه ای
به ندرت	جسته گریخته
به هر حال	به هر روی
به هر صورت	به هر روی
به همین خاطر	از این رو
به همین دلیل	از این روی
به هیچ عنوان	به هیچ روی
به واقع	به راستی
به وجود آمدن	پدید شدن، پدید آمدن
به وجود آورنده	پدیدآورنده
به وجود آوردن	پدید آوردن
به وسیله	بدست
به وضوح	به روشنی
به وفور	فراوان، بسیار
به وقوع پیوست	رخ داد
به گرات	بارها
بهت	گیجی
بهیان	بنیاد
بودجه	درآمد
بوران	برفباد
بورس	بهبازار
بولتن	گزارشنامه

هموار ساز	بولدوزر
مشتزنی	بوکس
دست نخورده	بکر
بی پروا	بی احتیاط
سنگدل	بی احساس
بی پایه	بی اساس
بی ریشه	بی اصل
بی ریشه	بی اصل و نسب
بی ارزش	بی اعتبار
ناباور	بی اعتقاد
ناباوری	بی اعتقادی
رویگردان	بی اعتنا
رویگردانی	بی اعتنائی
بی پایان	بی انتها
نا به سامانی	بی انضباطی
بی همتا	بی بدیل
تهیدست	بی بضاعت
بی درنگ	بی تأمل
نابخرد	بی تدبیر
نابخردی	بی تدبیری
درهم، نابسامان	بی ترتیب
بی گمان	بی تردید
بی پروا	بی توجه
بی آرایش، بی پیرایه	بی تکلف
بزدل	بی جرات
بی پاسخ	بی جواب
سست	بی حال
بی اندازه، بیکران، بی پایان	بی حد و حصر
بیشمار، بی اندازه	بی حساب
پریشان، بی هوش	بی حواس
بی تابی	بی حوصلگی
بی تاب	بی حوصله
سرزده، ناآگاه	بی خبر
ناآگاهی	بی خبری
سنگدل	بی رحم
بی مانند	بی رقیب
سست	بی رمق

بی روح	بی جان
بی سلیفگی	بدپسندی، کژ پسندی
بی سلیقه	بدپسند، کژپسند
بی شباهت	ناهمانند، ناهمسان
بی شعور	نادان، بی خرد
بی شک	بی گمان
بی صبر	ناشکیبیا، بی تاب
بی صبری	ناشکیبایی، بی تابی
بی طرف	بی سویه
بی طرفی	بی سویگی
بی عدالتی	بی دادگری، بیداد
بی علاقه	بی شور
بی فایده	بیهوده
بی قرار	بی تاب، ناآرام، سراسیمه، پریشان
بی قراری	بی تابی
بی قید و شرط	بی چون و چرا
بی لیاقتی	نا شایستگی
بی محابا	بی پروا
بی نظمی	نا به سامانی
بی نظیر	بی همتا، بی مانند
بی نهایت	بی کران
بی واسطه	بی میان جی
بی کفایتی	نا شایستگی
بیان	گفتار
بیان کردن	بازگو کردن، برشمردن، بازگفتن، بازنمودن
بیش از حد	بیش از اندازه
بیعانه	پیش پرداخت، ترازنامه، سیاهه
بیلان	تراز
بین	میان
بین المللی	جهانی، فرامرزی
بین النهرین	میانرودان
بینهایت	بیکران
بیوگرافی	سرگذشت نامه، زندگی نامه، زیست نامه
پ	بازگشت
پاراگراف	بندواژه، بند
پارتیشن	دیوارک
پارکینگ	خودروگاه



پاساژ	تیمچه، بازارچه، گذرگاه
پاسپورت	گذرنامه
پانسمان	زخم بندی
پاورقی	زیرنویس
پرانتز	کمان، کمانک
پرتحمل	پرتاب
پرتعداد	پر شمار
پرثمر	پر بار
پرحوصله	شکیبا
پرقدمت	دیرین، دیرینه
پرسنل	کارکنان
پرمشقت	توان فرسا
پرنس	شاهزاده
پرنسس	شاهدخت
پروژه	برنامه، پیرنگ
پروژکتور	نورافکن
پروسه	فرآیند، روند، فراشد، فراگرد، شوند
پزشک قانونی	دادپزشکی
پس وُرد	گذرواژه
پستیچی	نامه رسان، چاپار
پلاریزه	قطبنده
پلاک	کاشی
پلمب	مهروموم
پلی کپی	برگه
پلیس	شهربانی
پمپ	مکنده، تلمبه
پیش شرط	پیش نیاز
<b>ت</b>	<b>بازگشت</b>
تاخیر	دیرکرد
تألیف شده	نوشته شده
تأم	اندوه، دردناک
تأیید	پذیرش
تأییدیه	پذیرشنامه
تئوری	دیدمان، نگرش
تابع	پیرو، پردازه، دنبال کننده، دنباله رو، سپس رو
تابعیت ایران	شهروندی ایران
تابلو	نمایه

تاثر آور	دلخراش
تاثیر	کارایی، هنایش
تاثیر گذار	کارساز
تاثیر کردن	هناییدن
تاجر	بازرگان
تا به حال	تاکنون
تا حالا	تاکنون
تا حدی	تا اندازه ای
تا حدودی	تا اندازه ای
تاخیر	دیرکرد
تارک دنیا	جهانرها
تاریخ	سالمه
تاریخ تولد	زادروز
تاسف	افسوس، دریغ
تاسف بار	اندوه بار
تاسف خوردن	افسوس خوردن، دریغ خوردن
تاسیس	راه اندازی، بنیان گذاری
تاسیس کردن	بنیان گذاری، پایه گزاری کردن
تاکسی متر	کرایه سنج
تاکید	پافشاری
تاکید کرد	پافشاری کرد
تالیف شده	نوشته شده
تامل	درنگ، اندیشه، اندیشه کردن، دوراندیشی
تامین کردن	برآوردن، برآورده کردن
تانی	درنگ کردن، آهستگی
تبادل آراء	سگالش
تبادل نظر	گفتگو، گفتمان
تبانی	سازش، ساخت و پاخت
تبحر	چیرگی، زبردستی
تبدیل	دگرگونی
تبریزی الاصل	تبریزی تبار
تبریک	شاد باش، شاباش، فرخنده، خجسته
تبسم	لبخند
تبصره	نیم بند، زیربند
تبعات	پیامدها
تبعه ایران	شهروند ایران
تبعیت	پیروی، فرمانبری

پیروی کردن	تبعیت کردن
بیرون کردن	تبعید
آگهی، پیام رسانی	تبلیغ
آگهی دادن	تبلیغ کردن
مانده	تتمه
بازرگانان، سوداگران	تجار
بازرگانی	تجارت
بازرگانی	تجاری
همگانی	تجانس
دست درازی، تازش	تجاوز
نومنشی	تجدد
دوباره، از سرگیری	تجدید
بازنگری	تجدید نظر
آزمودن، ارونند	تجربه
آزمودن	تجربه کردن
موشکافی، بندبندکردن	تجزیه
جدایی خواه	تجزیه طلب
موشکافی، واکاوی	تجزیه و تحلیل
گردهمایی	تجمع
گردآمدگان	تجمع کنندگان
ساز و برگ	تجهیزات
واژه به واژه	تحت اللفظی
زیرنام	تحت عنوان
زیر فشار	تحت فشار
زیر درفش	تحت لوای
زیرین	تحتانی
واپسگرایی	تحرّج
جنبش، پویایی، پویش	تحرک
نگارش، نوشتن	تحریر
نگاشتن، نوشتن	تحریر کردن
دستبری، دگرگون کردن	تحریف
برانگیختن، انگیزش	تحریک
برانگیزاننده	تحریک کننده
جلوگیری، بازداشتن	تحریم
نکوداشت، آفرین گفتن، ستودن، ستایش کردن	تحسین
آفرین انگیز	تحسین برانگیز
نکوداشتن، بنیک داشتن	تحسین کردن

تحصن	بست
تحصن کردن	بست نشستن
تحصن‌گاه	بستگاه
تحصیل	اندوختن، یادگیری، به دست آوردن، دانش آوزی، دانش یابی، درس خواندن
تحصیل کرده	فرهیخته، دانش اندوخته، دانش آموخته، دانش یافته
تحصیلی	آموزشی، یادگیری
تحقیر	خوارداشت، کوچک شماری، خوارسازی
تحقیق	پژوهش، کاوش، بررسیدن، بررسی، واریسی
تحقیقاتی	پژوهشی
تحلیل	کاوش، کندوکاو، ریشه یابی، واکاوی، گشودن، واکافت
تحلیل رفتن	کوچک شدن
تحمل	بردباری، تاب
تحمل کرد	تاب آورد
تحمل کردن	تاب آوردن، برتافتن
تحمل نمی کند	بر نمی تابد
تحول	دگرگونی، دگردیسی، فراگشت
تحولات	دگرگونی ها
تحویل	بهره برداری
تحویل دادن	دادن
تخریب	ویرانی
تخصص	ویژگی، گرایش، ویژه کاری، کارشناسی
تخصص داشتن	سر رشته داشتن، کاردان بودن
تخصیص	کنارگزاری، بخش کردن
تخطی	لغزش، سرپیچی
تخطئه	هزوارش
تخفیف	کاهش
تخلف	سرپیچی
تخلیه	تهی سازی، تهی کردن
تخمیر	مایه زنی
تخمین	برآورد، به گمان گفتن، سنجیدن
تخمین زدن	برآورد کردن
تخیل	پنداشت، پندار، پنداشتن، گمان کردن
تدارک	آماده سازی، فراهم سازی
تداعی	بیادآوردن، یادآوری
تداوم	ادامه، ماندگاری
تداوم بخشیدن	پی گرفتن، ادامه دادن
تداوم دادن	پی گرفتن، ادامه دادن

تدبیر	چاره اندیشی
تدابیر	راهکار، چاره اندیشی
تدریجاً	کم کم
تدوین	گردآوری، فراهم کردن
تذکر	یادآوری، گوشزد
تراس	ایوان
ترافیک	شدامد
تراکم	چگالی
تربت	خاک
تربیت	پرورش، فرهیختن
تربیت کردن	پرورش دادن
ترتیب	سامان، چیدمان، چینش، راست و درست کردن
ترجمان	ترزبان
ترجمه	برگردان، برگزیده، نورد
ترجمه کردن	ترگوبیده کردن، برگزیده کردن، ترکوبیدن
ترجیح	بهشماری
ترحم	مهرورزی، دلسوزی
تردد	آمدوشد، رفت و آمد
تردید	دودلی، گمان
ترسیم کردن	پنگاشتن
ترشح	تراوش
ترفع	بالابری، بالا بردن
ترغیب	انگیزش، برانگیختن
ترغیب کردن	وا دارد
ترقی	پیشرفت
ترکیب	هم کرد، هم آمیزی
ترکیب کردن	آمیختن، سرشتن
ترکیبی	آمیخته، سرشته
ترم	نیمسال
ترمیم	بازسازی
ترمینال	پایانه
تروریست	دهشت افکن
تروریسم	دهشت افکنی
ترویج	گسترش
تز	برنامه، نهشت، گزاره، پایان نامه
تزکیه	خودسازی، پاک سازی
تزویر	نیرنگ، فریت

آذین، فرآویز کردن	تزئین
رواداری، کوتاهی	تسامح
آسان گیری، ساده گیرانه	تساهل
برابری	تساوی
دستگرد	تسبیح
آزمایش	تست
شکست	تسخیر
هموار سازی	تسطیح
آرامش	تسکین
زنجیرواری	تسلسل
چیرگی، چیره شدن، چیره دستی	تسلط
دلداری دادن	تسلی دادن
دلداری	تسلیت
جنگ افزاری	تسلیحاتی
گردن نهادن	تسلیم
آساینده	تسهیلات
باز شناختن	تشخیص دادن
کالبدشناسی	تشریح
نگین، زندیدن	تشریح کردن
آمدن	تشریف
آیین ها	تشریفات
پرتوافکنی، فروزه، پرتوافشانی	تشعشع
پرتوها	تشعشعات
سپاسگزاری، سپاس	تشکر
ساختن	تشکیل
باز کردن، گشایش	تشکیل دادن
سازوبرگ	تشکیلات
ناآرامی، لرزش، تنش	تشنج
دلگرمی	تشویق
برخورد، پیشامد	تصادف
پیشامدی	تصادفاً
برخورد	تصادم
فرایازی	تصاعد
درست کردن	تصحیح
درست کردن، ویراستن	تصحیح کردن
گواهینامه (رانندگی)	تصدیق (رانندگی)
براست داشتن، راست شمردن	تصدیق کردن

پالایش	تصفیه
آهنگ کردن، آهنگ داشتن	تصمیم
برآن شدن	تصمیم گرفتن
انگاشت، انگار، انگاره	تصور
گمان کردن، پنداشتن، انگاشتن، هوشیدن	تصور کردن
انگاشته، انگارده	تصور شده
برنهادن	تصویب
نگاره	تصویر
رویاری، در برابر، همستاری، ناسازگاری	تضاد
پشتیبانی	تضمین
پشتیبان	تضمینی
خودنمایی، دگرفریبی، پدیداری، وانمودکردن، آشکارشدن	تظاهر
راهپیمایی، نمودها	تظاهرات
ترازمندی	تعادل
والایی	تعالی
شگفتی	تعجب
شگفتی آور، شگفت انگیز	تعجب آور
شتاب کردن	تعجیل
شتافتن	تعجیل کردن
شمار، شمارگان	تعداد
شماراندکی	تعداد محدودی
شماری، چندی	تعدادی
درازدستی	تعرض
میزان نامه	تعرفه
شناساندن، ستایش	تعریف
بازگفتن، بازگوکردن	تعریف کردن
خشک اندیشی	تعصب
بسته، بیکار	تعطیل
پیگرد، پی جویی، پی گیری	تعقیب
وابستگی، دل بستگی	تعلق خاطر
آموزش	تعلیم
آموزه ها	تعلیمات
ژرف اندیشی	تعمق
بازسازی	تعمیر
پایبندی، پذیرش	تعهد
پیمان نامه	تعهدنامه
جایگزینی، جابجایی	تعویض

تعیین	گزینش
تعیین کردن	گماردن، گماشتن
تغذیه	خوراک
تغیر کرد	دگرگون شد
تغییر	دگرگونی، دگردیسی
تغییرات	دگرگونی ها، دگرگونی
تغییر کردن	دگرگون شدن
تفاهم	هم اندیشی
تفاوت	ناهمگونی، ناپکسانی، ناسانی، ناهمسانی
تفتیش	بازجویی
تفحص	پیکاوی، جستجو
تفرج	گردش
تفرجگاه	گردشگاه
تفرقه	دوگانگی، دودستگی، پراکندگی
تفریح	لشتن، خوشی، شادمانی، شادمانی کردن
تفریق	کاهش
تفکر	اندیشه، پنداشت
تفکر کردن	اندیشیدن
تفکیک	جداسازی
تفنگچی	تفنگدار
تفویض	سپردن، واگذاری
تقابل	برهمکنش
تقاضا	درخواست
تقاضای تجدید نظر	فرجام خواهی
تقاطع	برشگاه، چهارراه
تقبل کردن	پذیرا شدن
تقدس	اشویی
تقدم	پیشینگی
تقدیر	سرنوشت
تقدیر زمانه	سرنوشت
تقدیرنامه	سپاسنامه
تقدیم	پیشکش
تقدیم کردن	پیش کش کردن
تقرب	نزدیکی
تقریبا	کم و بیش، نزدیک به، کمابیش، پیرامون
تقریبا 50 عدد	نزدیک 50 تا، کم و بیش 50 تا
تقریبی	کمابیش



بخش	تقسیم
بخش کردن	تقسیم کردن
دغلی، نیرنگ	تقلب
دنباله روی، پیروی	تقلید
کاهش	تقلیل
کاستن	تقلیل دادن
پرهیزکاری، پرهیز	تقوی
نیرومند کردن	تقویت
سالنامه	تقویم
پابستگی	تقید
فرگشت	تکامل
بزرگی نمایی	تکبیر
دروغ شمردن	تکذیب کردن
بزرگداشت	تکریم
آلایش	تکلف
سخن گویی	تکلم
کار، بایسته	تکلیف
به پایان رساندن	تکمیل
فن آوری	تکنولوژی
شگرد	تکنیک
پشت دادن	تکیه
باز نهش	تلافی
هدر دادن	تلف کردن
واگفتن، واگفت، واگویی، فراگویی	تلفظ
آمیزه ای	تلفیقی
دورنگار	تلگراف
سربسته	تلویحاً
دورآگاهی	تله پانی
برخورد	تماس
هماد، همه	تمام
یکسره	تماماً
همه کارها	تمام امور
پایان یافته	تمام شده
همگی	تمامی
یکپارچگی کشوری	تمامیت ارضی
دگردیسی	تمایز
گرایش	تمایل

گرایش ها	تمايلات
پيكر، تنديس	تمثال
نكوداشت	تمجيد
نكوداشتن	تمجيد كردن
شهر يگري، پيشينه، فرهنگ، شهر كاني، شهر آييني	تمدن
سر كشي، سر پيچي، نافرمانی	تمرد
آمادگي، پيگيري، ورز، ورزیدن	تمرين
سوسمار	تمساح
دست آویز	تمسك
چاپلوسی	تملق
خواهش، درخواست	تمنا
خواهش می كنم	تمنا می كنم
توانگري	تمول
پاك	تميز
گوشمالي	تنبيه
پايين آمدن	تنزل
فروكاستن	تنزل دادن
هماهنگي	تنظيم
كينه، بيزاري	تنفر
دم و بازدم	تنفس
ترسانیدن، ترساندن	تهدید
انگ، بدنامی	تهمت
فراهم كردن	تهيه كردن
بسامد	تواتر
همريگي	توارث
فرونتی	تواضع
پسند	توافق
دستشویی، آبخانه، دست به آب	توالت
همراه	توأم
بازگشت	توبه
نكوهش، سرزنش	توبيخ
پروا، روی آوری، پرداختن، دریافت، نگاه، آگاهی	توجه
پرداختن به	توجه كردن
نگرش ها	توجهات
يكتاپرستي، يگانگی	توحيد
آماسیدن	تورم كردن
گردشگر	توريست

گردشگری	توریسم
پخش	توزیع
بدست	توسط
افزایش، گسترش، پیشرفت	توسعه
پیشنهاد، رهنمود، سفارش	توصیه
روشنگری	توضیح
روشنگرنامه	توضیح المسائل
نگیختن، زندیدن، باز نمودن، روشنگری کردن	توضیح دادن
نیرنگ، بند و بست	توطئه
بهروزی، پیروزی	توفیق
چشمداشت، امید و خواهش	توقع
درنگ، ایست	توقف
بازداشت، دستگیری	توقیف
به امید خدا	توکل به خدا
زایش	تولد
زادروزت خجسته	تولدت مبارک
فرآوری، فراورده، ساخته، زایاندن، ایجاد کردن	تولید
زاستین	تولیدکردن
دالان	تونل
دشنام، ناسزا	توهین
پایپای	تهاتر
شمارگان	تیراژ
<b>بازگشت</b>	<b>ب</b>
بادوام، استوار، پابرجا، سخت	ثابت
سوم	ثالثا
دوم	ثانیا
دم	ثانیه
استواری، قرار، پایداری	ثبات
نگارش	ثبت
زادنگاری	ثبت احوال
نام نویسی	ثبت نام
نام نویسی کردن	ثبت نام کردم
شناخته شده	ثبتی
دارایی	ثروت
سنگینی، سنگین شدن	ثقل
سنگین	ثقیل
سه گانه	ثلاثة

سه یک	ثلث
بار، میوه	ثمر
سودآور، سودمند	ثمربخش
ستایش، درود	ثناء
دستآورد، سود، پی آمد، پسامد	ثمره
پاداش، مزد	ثواب
<b>بازگشت</b>	<b>ج</b>
راه دسترسی	جاده موصلاتی
رباینده، کشاننده	جاذب
کشش، گرانش، ربایش	جاذبه
روان	جاری
سخن چین	جاسوس
برساز	جاعل
برسازها	جاعلین
نغز، دانشین، دلچسب	جالب
نگریستن	جالب توجه
بریسته	جامد
فراگیر، گردآور	جامع
همبود، همبودگاه، چبیره	جامعه
گوشه، گونه	جانبه
پهلویی	جانبی
تیهکار	جانی
نادان، ناآگاه	جاهل
پسندیده، روا، شایسته	جایز
پاداشت	جایزه
ستمکار، ستمگر	جبار
برگرداندن، بازپرداخت، بازنهش	جبران
توختن	جبران کردن
تنه	جثه
پوسته	جدار
کشمکش	جدال
گفتاورد	جدل
نو، نوین، نوپاوه	جدید
تازه چاپ	جدیدالانتشار
نوساز، تازه ساز	جدیدالتاسیس
به تازگی	جدیداً
تازه ترین	جدیدترین

گیرا	جذاب
گیرایی، گیرایش	جذابیت
کشش، گیرش، ربایش، گیرایی	جذب
پذیرش دانشجو	جذب دانشجو
گیرایی، کشش	جذبه
ریشه، بیخ	جذر
یارا، بی باکی، گستاخی	جرات
یارستن	جرات داشتن
روزنامه ها	جراید
گرانکش	جرتقیل
زخم	جرح
بزه، گناه	جرم
روایی	جریان
تاوان	جریمه
بند	جزء
مو به مو، بند به بند	جزء به جزء
سزا، بادافره	جزا
کیفری	جزایی
آبخوست	جزیره
گزیت	جزیه
پاره ای از آن	جزیی از آن
پیکر، مردار	جسد
بی باک، دلیر	جسور
برساخت، روساخت	جعل
برساخته، ساختگی، دروغین	جعلی
گیتاشناسی	جغرافیا
خرک	جک (در خودرو)
دژخیم	جلاد
فر و شکوه	جلال و جبروت
گرفتن، واکنش	جلب
واکسیدن	جلب کردن
پوشینه، پوست، پوشش، پوشانه	جلد
نشست ها	جلسات
نشست، دیدار	جلسه
نشست کارمندان	جلسه کارمندان
نشست	جلوس
نشستن	جلوس کردن

جماعت	توده، انبوه، گروه
جمال	زیبایی
جمع	الفتح، چنگانه، روی هم، فلنج، رایشگری
جمع آوری	گردآوری، الفنجیدن، انباشتن، فلنجیدن
جمعاً	رویهمرفته
جمعه	آدینه
جمعی	گروهی
جمعیت	شمار، آمار، گردآمدن، مردمگان
جمله	رسته، گزاره
جن	پری
جنایت	تبهکاری
جنایتکار	تبهکار
جنب	سو
جنبه	سویه
جنس	گینه، کالا، ژاد
جنسی	ژادین، ژامند
جنسیت	نرولاسی
جنوب	نیمروز
جنون	دیوانگی
جهت	روی
جهل	نادانی
جهنم	دوزخ
جهیزیه	وردک
جو	پیرامون
جواب	پاسخ
جوابگو	پاسخگو
جوار	همسایگی
جواز	پروانه
جوامع	همبودها
جوامع بشری	همبودهای مرمی
جوهر	گوهر
جور	جفا
جوهر	دوات

بازگشت	چ
پیک، نامه بر	چاپار
نمودار	چارت
گپ	چت
آتش زنه، افروزه	چخماق
چرا رنجه فرمودید؟	چرا زحمت کشیدید؟
چراغ دستی	چراغ قوه
چشم واره	چشم مصنوعی
چگونه، چسان	چطور
چوبدستی	چماق
چگونه، چه جوری	چه طوری
بازگشت	ح
دارای	حائز
درخور، شایسته	حائز اهمیت
آیفت، درخواست، نیاز	حاجت
پیشامد، رخداد، رویداد، پدیده	حادثه
زبردست، چیره دست	حاذق
دستاور، دستاورد، سازه، ساخته، دستیافت	حاصل
برآمده از	حاصل از
بارور، پر بار	حاصل خیز
آماده	حاضر
برم، یاد، یادانبار	حافظه
اکنون، کنون	حال
اکنون که	حال که
اکنون، اینگاه	حالا
کنونه، فتن	حالت
بارور	حامل
باردار، آبستن	حامله
پشتیبان	حامی
پیروان	حامیان
در بر گیرنده	حاوی
زندان	حبس
دانگیها	حبوبات
هر آئینه، بی گمان	حتماً
سد در سد، رخ دادنی، چاره ناپذیر، بایسته	حتمی
تا جایی که	حتی
پوشش	حجاب

گنجایش	حجم
گنجا	حجیم
مرز، کران، اندازه	حد
کمینه، دست کم	حداقل
بیشینه	حداکثر
گمان، گمانه، گاس	حدس
گمان کردن، گمانه زنی، گمان بردن، گمانه	حدس زدن
گمان می کنم، می گاسم	حدس می زنم
نزدیک، نزدیک به، پیرامون	حدود
مرزی ندارد از	حدی ندارد از
پرواییدن	حذرداشتن
زدایش، زدودن، انداختن، دورکردن	حذف
زدودن	حذف کردن
فروش ویژه	حراج
گرما	حرارت
گرمایشی	حرارتی
نگهبانی، پیشسبانی، پاسداشت	حراست
پرگفتار، پرچونه	حراف
ناروا، ناشایست، ناپسند	حرام
جنگ	حرب
آز	حرص
آزوند بودن	حرص زدن
پر سخن	حراف
سخن، بندواژه	حرف
بندواژه "سین"	حرف "سین"
بندواژه	حرف (الفبا)
افزون واژه	حرف اضافه
سخن نادرست	حرف بی ربط
پیوندواژه	حرف ربط
سخن گفتن	حرف زدن
پیشه	حرفه
چیره دست	حرفه ای
جنبش	حرکت
بجنب	حرکت کن
پرده سرا	حرم سرا
آبرو، ارزش، ارج	حرمت
ابریشم	حریر



حریص	آزمند، آزند
حریف	هم آورد، همآورد، هم نبرد، هم چشم
حزن	اندوه
حزن انگیز	اندوهبار
حساب	شمارگری، رایشگری
حساب بردن	ترسیدن
حساب شده	سنجیده
حساب کردن	برشمردن
حسابداری	شمارداری
حسابگر	دوراندیش
حسادت	رشک
حساس	دلنازک، زودرنج، دلنازک، زودکنش
حسب الامر	به دستور، به فرمایش
حسرت	افسوس
حسگر	برواسنده
حسنة	نیک، نیکو
حسود	چشم تنگ، رشکوند
حصار	دیوار، بارو، پرچین
حصیر	بوریا
حضور	بودن، پیشگاه
حضور به هم رساندن	گرد هم آمدن
حفاظت	نگهداری
حفر کردن	کنندن، فروکنندن
حفره	سوراخ، پاله، گودال، مغاک
حفظ کردن	از بر کردن
حق	هده
حق التحقیق	پژوهانه
حق التدریس	آموزانه
حق الثبت	نگارخانه
حق الزحمه	دستمزد
حق السکوت	خموشانه
حق العمل	کارمزد
حق ماموریت	کارانه
حقارت	خواری
حقوق	دستمزد، کارانه، دادیک
حقوق بگیر	مزد بگیر
حقه	ترفند، فریب، نیرنگ

پشت هم انداز، نیرنگ باز	حَقّه باز
پست، کوچک، فرومایه	حقیر
کوچک شد	حقیر شد
کوچک شدن	حقیر شدن
راستی، درستی، راستینه، راستینگی	حقیقت
راستی خواهی، آمیغ پژوهی	حقیقت طلبی
سرگذشت، داستان	حکایت
فرمان، دستور، دستورنامه، فرمایش، فرداد	حکم
فرزانگان	حکما
داوری	حکمیت
فرمانروایی، کشورمداری	حکومت
فرزانه	حکیم
چاره، چاره گری	حل
چاره اندیشیدن، چاره اندیشی	حل کردن
روا	حلال
گلو	حلق
جنبره	حلقه
خرخره، خشک نای	حلقوم
گرد	حلقوی
باربر، بارکش، تراپر	حمّال
گرماپه	حمّام
پهلوانی	حماسی
سبک مغزی، کم خردی، کودنی	حماقت
پشتیبانی، همیاری، جانبداری	حمایت
تراپردن	حمل
تراپردن	حمل کردن
ترابری	حمل و نقل
تاختن، تازش، آفند، تازیدن، یورش	حمله
تازیدن، تاختن	حمله کردن
خشکنای	حنجره
گرداگرد، نزدیکیها، پیروان، دور و بر	حوالی
دامنه، پهنه، گستره، بخش، زمینه	حوزه
گرداگرد خلیج فارس	حوزه خلیج فارس
هیردستان	حوزه علمیه
شکیبایی، بردباری	حوصله
دور و بر	حول و حوش
شرم، آزر	حیا

زندگی	حیات
میان سرا	حیاط
آبرو	حیثیت
شگفتی	حیرت
شگفت آور	حیرت انگیز
شگفت انگیز	حیرت آور
شگفت زده	حیرت زده
گستره	حیطه
افسوس	حیف
تباه شد	حیف شد
افسوس که	حیف که
فریب، ترفند، شیله	حیله
فریبکار، فریبا	حیله گر
نیرنگ، شیله پیله	حیله و مکر
جانور، جاندار	حیوان
<b>بازگشت</b>	<b>خ</b>
دشمنیار	خائن
پایان	خاتم
پایان، ته	خاتمه، انتها یا منتهی
بیرون	خارج
بیرون از کشور	خارج از کشور
درشدن	خارج شدن
بیگانه، فرنگی، بیرونی	خارجی
شگفت انگیز، فراپندار	خارق العاده
انباره	خازن
ویژه	خاص
ویژگی	خاصیت
یادآوری	خاطر نشان
دلباخته	خاطر خواه
یادآوری کرد	خاطر نشان کرد
یادبود، یادگار	خاطره
ناب، سره، زدوده، پاک، بی آلایش	خالص
بی آلایش	خالصانه
سارا، سارایی	خالصی
آفریننده، آفریدگار	خالق
تهی، ونگ	خالی
خانگاه	خانقاه

خانم	بانو
خبثت	پلیدی، ناپاکی
خبر	تازه
خبرنگار	گزارشگر
خبره	کارشناس، زبردست
خبیث	پلید، ناپاک
خجالت	شرمساری، شرمندگی، سرافکندگی، شرم
خجالت آور	شرم آور
خجالت کشیدن	شرمنده شدن، شرم داشتن
خجالت می کشم	شرم دارم
خجالتی	کمرو، آزرمتگین
خجول	شرمسار
خدا رحمتش کند	خدایامرزدهش
خداحافظ	خدا نگهدار، بدرود
خدای واحد	خدای یکتا
خدشه	خراش
خدمت	پیشگاه، نیرورسانی
خدمت کردن	پیشکاری
خدمتکار	پیشکار
خراب	ویران، نابسامان
خراب شدن	گزند دیدن، آسیب دیدن
خرابه	ویرانه
خرابی	ویرانی
خراج	باژ
خرج	هزینه
خروج	برونرفت، برونروی، برونش، بیرون آمدن، بیرون رفتن
خزانه	گنجینه
خسارت	زیان، زیانکاری
خسته نباشید	زنده باشید، پاینده باشید
خسبیس	کنس، زُفت
خسوف	ماه گرفتگی
خسبیس	کنس
خشن	تندخو
خشونت	درشتخویی، تندخویی، درشتی
خشیت	فروتنی
خصلت	سرشت، خو
خصمانه	دشمنگونه

ویژه	خصوص
به ویژه	خصوصاً
ویژگی	خصوصیت
دشمنی	خصومت
ویژگی	خصیصه
فروتنی، افتادگی	خضوع
سمیره، دبیره	خط
دست نویس	خطی
راه آهن	خط آهن
جداگر	خط فاصله
راه و روش	خط مشی
نادرست، بزه	خطا
بزه گر، بزهکار	خطا کار
خوشنویس	خطاط
خوشنویسی	خطاطی
سیج	خطر
هراس انگیز	خطرناک
سخنران	خطیب
کوتاه مایگی	خفت
خپه	خفه
کوچک	خفیف
رها	خلاص
چکیده، گزیده	خلاصه
بدین سان	خلاصه اینکه
رهایی	خلاصی
رستن	خلاصی یافتن
تبهار	خلافکار
آفرینشگر	خلاق
نوآفرینی، نوآوری، آفرینش گری	خلاقیت
تهیگی، ونگی	خلأ
برکنار کردن	خلع کردن
پیمان شکنی	خلف وعده
آفرینش، نوآوری، اورش، مردم، مردمان	خلق
آفرینش	خَلِقت
تنهایی	خلوت
نابی، سرگی، سارا	خلوص
شاخاب، شاخابه	خلیج

خلیج فارس	کنداب فارس
خلیفه	جانشین
خمس	پنج یک
خنثی	امرد
خنثی کردن	بی کنش کردن
خنجر	دشنه
خواست باطنی	خواست درونی
خواص	ویژگان
خود رای	خویشکار
خودرو کروکی	خودرو روباز
خودمختار	خودگردان
خوشحال	دلشاد، شادمان، شادکام، سرخوش، خرسند
خوف	ترس
خوف برداشتن	ترسیدن
خوفناک	ترسناک
خوی گرفتن	آمخته شدن
خیاط	جامه دوز، دوزنده
خیال	پندار، گمان، انگارش
خیال کردم	گمان کردم، پنداشتم
خیال کردن	گمان کردن، پنداشتن، انگاشتن
خیالی	پندار آمیز
خیانت	دشمنیاری
خیرمقدم	خوش آمد
خیمه	تاژ، چادر
<b>د</b>	<b>بازگشت</b>
دائرة المعارف	دانشنامه
دائم	همیشه، همش
دائم الخمر	میخواره
دائمی	همیشگی، بی امان، پیوسته
داخل	تو، درون، اندرون
داخل کشور	درون کشور
داخلی	درونی
داوطلب	داوخواه، درخواستگر
دایره	پرهون، چنبره، گردی
دایم	همیشگی
دب اصغر	خرس کوچک
دب اکبر	خرس بزرگ

در ارتباط با	درباره
در اسرع وقت	هر چه زودتر
در انظار عمومی	پیش دیده همگان
در این ارتباط	در این باره
در این خصوص	در این باره
در این مورد	در این راستا، در این باره
در آخر	در پایان
در باب	درباره
در جمع	در کنار
درجه	زین، پایه
در حال توسعه	روبه پیشرفت
در حال حاضر	هم اکنون
در حال رشد	روبه پیشرفت
در حالیکه	زمانیکه، در همان هنگام
در حقیقت	به راستی
در حین	در هنگام
در خدمت	در پیشگاه
در خصوص	درباره
در رابطه با	درباره
در رأس	دربالای
در صورتی که	چنانچه
در ضمن	وانگهی، همچنین، افزون برین
در طول	در هنگام، در راستای، در درازای
در عوض	در برابر
در عین حال	در همان سان
در غیر این صورت	وگرنه
در قدیم	پیشترها
درک	دریافت
در کل	رویهرفته
در مجموع	رویهرفته
در محذور	در تنگنا
در مقابل	در برابر، فراروی، فرادید
در مقایسه با	در سنجش با
در نتیجه	برآیند اینک، بنابراین
در نظر آوردن	درنگر آوردن، در نگرستن
در نظر داشتن	به دیده داشتن، در نگر آوردن
در نظر گرفتن	درنگر آوردن، در نگرستن

در نهایت	در پایان
در هر حال	به هر روی
در هر صورت	در هر گونه
در واقع	به راستی
در وجه شما	برای شما
در اسرع وقت	هر چه زودتر
در آخر	در پایان
در باب	درباره
درجات	زینہ ها، پایگان
درجه	دسته، پایه، زینہ، جایگاه، میزان
در حال رشد	رو به پیشرفت
درس	آموزه
درس اول	آموزه نخست
در ضمن	همچنین، وانگهی
در غیر این صورت	وگرنه
درک	پی بردن، دریافتن
درک کردن	پی بردن، دریافتن
در مجموع	رویه مرفته
در مقابل	در برابر
در مورد	درباره
در نهایت	در پایان
دست آخر	در پایان
دستچرد	دستگرد
دسته جمعی	گروهی
دستور جلسه	دستور نشست
دستور قتل	دستور کشتن
دستور العمل	دستور کار، شیوه نامه
دسر	پی غذا
دعا	نیایش
دعا می کنم	نیایش می کنم
دعوت کردن	فراخواندن
دعوتنامه	فراخوانه
دعوی کرد	کتک کاری کردن
دعوی کردن	داویدن
دعیت	دهوند
دو غلو	همزاد
دفاع	پدافند



دفاع کردن	پدافندیدن
دفتر خاطرات	دفتر یادبود، دفتر یادمان
دفع	رانش، راندن
دفعه	بار
دفن	گوراندن
دفن کردن	خاکسپاری
دفن و کفن	خاکسپاری
دقت	ریز بینی، تیزنگری، باریک بینی، موشکافی، باریک اندیشی
دقیق	ریز بین، باریک بین، تیزنگر
دکوراسیون منزل	خانه آرایی
دلایل	انگیزه ها
دلیل	انگیزه، آوند، نخشه، فرنود
دموکرات	مردمسالار
دموکراتیک	مردسالارانه
دموکراسی	مردمسالاری
دنیا	گیتی، جهان
دوام	ماندگی، پایداری
دوماً	دوم اینکه
دور	گرد، گردش، روزگار
دور باطل	دورتباه
دور و بر	گرداگرد
دوره	چرخه
دیار	سامان
دیاگرام	نمودار
دیکتاتور	خودکامه
دین	بدهی
دیه	خونبها
<b>ذ</b>	<b>بازگشت</b>
ذات	سرشت، نهاد، گوهر
ذاتی	خدادادی، خود گوهر، خود سرشت
ذخیره	اندوخته، چش انداز، توشه
ذخیره کردن	انباردن
ذره	خرده، ریز
ذره بین	ریزبین
ذکاوت	تیزهوشی
ذکر	یادآوری
ذکر کردن	یاد کردن

مردها	ذکور
خواری، سرشکستگی	ذلت
آب شدن، گداختن	ذوب شدن
درون خودی	ذهنی
زیر، پایین	ذیل
<b>بازگشت</b>	<b>ر</b>
سرنوشتارها	رنوس مطالب
سرپرست، سرکرده، فرنشین	رئیس
سرپرست خانواده	رئیس خانواده
میانجی، وابسته	رابط
بستگی، وابستگی، پیوند	رابطه
درباره	راجع
آسان، آسوده	راحت
ریشگی	رادیکال
پرتوزا	راديو اکتیو
پرتو درمانی	رادیوتراپی
سرساعت	راس ساعت
استوار	راسخ
خوشنود، خرستن، دلخوش	راضی
بهره وری، بازده	راندمان
راهکار، راه چاره	راه حل
گوینده	راوی
پیوند، پیوستگی	ربط
چهارک	ربع
رده، دهند	رتبه
برتری، افزونی	رجحان
بازگشت	رجعت
دلسوزی، زهدان	رحم
رده	ردیف
روزی	رزق
سازگان	رژیم
ماتیکانها	رسالات
ماتیکان	رساله
نهادمان، آیین، روش	رسم
دبیره	رسم الخط
پنگاشتن	رسم کردن
پیمانی	رسمی

رسوب	ته نشست، ته نشین، لای، نهشت، آبرفت
رسوخ کردن	رخنه کردن
رسول	فرستاده
رشته حقوق	رشته دادرسی
رشد	گوایش
رشد کردن	بالیدن
رضایت	خوشنودی
رطوبت	نم
رطوبت دارد	نم دارد
رعایت	پیش روگیری، نگهداشتن
رعایت کردن	پاس داشتن
رعب	ترس
رعب و وحشت	ترس و هراس
رعد	آذرخش، تندر
رعد و برق	آذرخش
ریشه	لرزه
رعیت	دهوند
رفاقت	دوستی
رفاه	آسایش
رفراندم	همه پرسی
رفع کردن	زدودن
رفقا	دوستان
رفیع	برجسته، بلند، والا
رفیق	دوست، همراه، همراه، همپا، یار
رفیقان	دوستان
رقابت	چشم و همچشمی، هموردی، همچشمی
رقابت ورزشی	پیکار ورزشی
رقاص	پای باز
رقص	پایکوبی
رقیب	هماورد، همرمز، همچشم
رکن	پایه، ستون
رُل ماشین	فرمان خودرو
روابط	پیوندها
رواج	رواگ
روال	روش
روایت	داستان، گفتار
روح	روان، جان

روحانی	مینوی، کاتوزی، دین بار
روز تولد	زادروز
روزبخیر	روز خوش
روزمره	روزانه، همه روزه
رویت	دیدن، دید
ریاضت	ورزیدن
ریاضی	رایشگری، رایش، رایگری
ریاضیدان	رایشگری
رییس	سرپرست، فرنشین، کارفرما
رییس پلیس	فرپاسبان
<b>ز</b>	<b>بازگشت</b>
زاپاس	یدکی
زارع	کشاورز
زاهد	پارسا
زاویه	گوشه، کنج
زاید الوصف	چشمگیر
زیاله	آشغال
زبان خارجی	زبان بیگانه
زبان محاوره ای	زبان گفتاری
زُحل	کیوان
زحمت	رنجش، دردسر، سختی
زراعت یا زارع	کشاورزی یا کشاورز
زکات	هشت یک
زکام	سرماخوردگی
زلزله	زمین لرزه، بومهن
زمانه	روزگار، دهر
زنجان	زنگان
زندیه	زندیان
زهره	ناهید
زوال	فروپاشی
زوج	جفت
زوجه	همسر
زیاد	سرشار، بسیار، فراوان، گسترده، وشناد
زینت دادن	آراستن
زیور	آرایش

بازگشت	ژ
لرزانک	ژله
بازگشت	س
دریوزه گر	سائل
پیشین	سابق
پیشترها	سابقاً
پیشینه	سابقه
پیشینه دار	سابقه دار
گلوله	ساقمه
پیشگاه، آستانه	ساحت
افسونگره، جادوگر	ساحر
کناره، کنار، کرانه	ساحل
کرانی	ساحلی
ساده نگر، ساده اندیش، خام اندیش، زودباور، ساده دل	ساده لوح
دزد، راهزن	سارق
افشاندن، برافشاندن	ساطع کردن
تسو	ساعت
سرنگون، واژگون	ساقط
خاموش	ساکت
آرمنده، آرمیده	ساکن
امسال	سال جاری
سال خورشیدی	سال شمسی
سبزیانه	سالاد
تندرست	سالم
تالار	سالن
تارنما	سایت
تارنما	سایت اینترنتی
دیگر	سایر
دیگران	سایرین
سبزی ها	سبزیجات
پیشی	سبقت
پیشی گرفت	سبقت گرفتن
سایاگ	سبک
سایاگ هنری	سبک هنری
ددمنشانه	سبوعانه
جانماز	سجاده
سپیده دم	سحر

سیخَر	پگاه، جادو
سخاوتمند	رادمند
سخی	فراخ دست، راد، دست و دل باز
سخیف	سبک
سد	آب بند
سد امیر کبیر	بند امیر کبیر
سیر	راز
سراق	پیش
سرایت	واگیری
سرحدات	مرزها
سروقت	دزدی
سروقت	به هنگام
سرویس	رسانگر
سریع	پرشتاب، تند، فرز، چابک، چالاک
سریع السیر	تندرو، تیزرو
سریع الهضم	آسانگوار
سریعتر	تندتر
سطح	رویه
سطر	رج، رده
سعادت	بهروزی، خوشبختی، نیکبختی
سعی	کوشش، تلاش، پشتکار
سعی کردن	کوشیدن
سفاک	خونریز
سفر	نورد
سفید	سپید
سقف	آسمانه، بام
سقوط	سرنگونی
سکولاریسم	بی دین گرایی
سلاح	جنگ افزار
سلاطین	پادشاهان
سلام	درود
سلامتی	تندرستی، بهزیستی
سلسله	زنجیره، دودمان، رشته
سلسله اشکانی	دودمان اشکانی
سلسله جبال	رشته کوه ها
سلطان	پادشاه
سلطه	چیرگی

سلول	یاخته
سلیقه	پسنده، نهاد، سرشت
سم	زهر
سمبل	نماد
سمبلیک	نمادین
سمع	شنیدن، گوش
سمعک	گوش افزار
سمعی	شنیداری
سمعی بصری	دیداری شنیداری
سمی	زهری، زهر آگین
سمینار	هم اندیشی
سنت	آیین، فرداد
سند	دستک
سنه	سال
سؤال	پرسش
سؤال کردن	پرسیدن
سوء رفتار	بدرفتاری
سوء شهرت	بدنامی
سوء ظن	بدگمانی
سوء نیت	بد سگالی، بد اندیشی، کج اندیشی
سوئیت	سراجه
سوابق	پیشینه، پیشینه ها
سواحل دریای خزر	کناره های دریای مازندران
سوبسید	یارانه
سوغات	ره آورد، ارمغان
سوق الجیشی	راهبردی
سونا	گرمخانه
سویچ	کلید
سه ضربدر چهار	سه در چهار
سهام گذار	دانگذار
سهل	آسان
سهل الوصول	آسان یاب
سهل انگار	آسانگیر
سهم	بهره، بخش، دانگ
سهواً	ندانسته
سهولت	آسانی
سی دی	گردانه

گردشگر	سیاح
گردشگری، جهانگردی	سیاحت
هرباسپ	سیاره
سیاستمداران	سیاسیون
سایاگ	سیاق
پویه، گردش، رفتار	سیر
خو، روش	سیرت
سیرگان	سیرجان
سامانه	سیستم
آبشویه	سیفون
تنداب	سیل
استوانک	سیلندر
<b>بازگشت</b>	<b>ش</b>
بزرگی	شان
شناسه، نمودار	شاخص
سراینده یا چامه سرا	شاعر
پیشه ور، کار دار	شاغل
دادخواه	شاکی
دربگیرنده، دارای، فراگیرنده	شامل
بخت	شانس
گواه	شاهد
گفتنی است	شایان ذکر است
رواگه، دهانزد، سخن پراکنی	شایعه
شب خوش	شب بخیر
هماندی، همانندگی، همسانی	شباهت
مانند، همانند، همدیس، همسان	شبهه
دلیر، شیردل، دلاور، پردل	شجاع
دلیری، دلاوری	شجاعت
تیارنامه	شجره نامه
منش	شخصیت
سختی	شدت
سخت، سهمگین	شدید
به سختی، سخت	شدیداً
بدی	شر
می	شراب
پلیدکاری، پلیدی	شرارت
انبازه	شراکت



دوشاب، نوشابه	شریت
ریز، زند	شرح
سرگذشت	شرح حال
نگیختن، زندین	شرح دادن
رویدادنامه، رویدادنگری	شرح وقایع
سامه، بایسته	شرط
باریافتن	شرفیاب شدن
خاور	شرق
همدستی، همدست شدن، انبازی، انباز شدن	شرکت
باهمان بازرگانی	شرکت تجاری
باهمان همکاری	شرکت تعاونی
بدنهاد	شور
آغاز	شروع
آغازکردن، آغازیدن	شروع کردن
سرخرک	شریان
آیین	شریعت
انباز، همباز، همدست، همکن	شریک
انبازیدن، دست داشتن	شریک بودن
اروندرو	شط العرب
چترنگ، شترنگ	شطرنج
پرتو	شعاع
آیین های دینی	شعائر مذهبی
چشم بندی، نیرنگ	شعبده
چشم بندی	شعبده بازی
شاخه	شعبه
سروده یا چامه	شعر
اخگر، فروزینه، افرازه، زبانه	شعله
افروختن	شعله ور کردن
خرد	شعور
کار، پیشه	شغل
بهبود، درمان	شفا
گفتاری، زبانی	شفاهی
ماه شکافی	شق القمر
دودلی، گمان	شک
گمان بردن	شک داشتن
پرگمان	شکاک
گلایه، دادخواست، شکوه	شکایت

سپاس	شکر
سپاسگذاری	شکرگذاری
سپاسگذاری	شکرگذاری
آرایه، ریخت، نگاره، گونه، مانند، سان، دیس، سیما	شکل
زیبا، شکیل	شکیل
ایاختر	شمال
فتن	شمایل
خورشیدی	شمسی
شور، شادی، خواستاری، آرزومندی	شوق
شکوه	شوکت
بدشگون، وارون	شوم
همیه سوز	شومینه
آسمان سنگ، آسمانکان	شهاب
گواهی	شهادت
گواهی داد که	شهادت داد که
جانبازانه، جانسپار	شهادت طلبانه
سوگندنامه	شهادت نامه
آوازه، ناموری	شهرت
اهریمن	شیطان
کیمیا	شیمی
کیمیایی	شیمیایی
گسترش	شیوع
<b>بازگشت</b>	<b>ص</b>
کاردان، کارشناس	صاحبنظر
فرستاده، نوشته، فرستادن	صادر
راستگو، روراست	صادق
راستین	صادقانه
آدرخش، آتشف، ابرنچک	صاعقه
هموار، کوبیده، بی آلابش	صاف
هموار	صاف و هموار
درستکار، شایسته	صالح
بی گفتار، خاموش	صامت
بامداد، پگاه	صبح
بامداد نیک	صبح بخیر
ناشتایی، چاشت	صبحانه
شکیبایی، بردباری، درنگ	صبر
بردبار، شکیبا	صبور

صحبت	گفتگو، گفتمان، سخن
صحت	درستی
صحرا	بیابان، دشت و دمن
صحنه	پیشگاه
صحیح	درست
صدا	سدا، آوا، آواز، بانگ
صداقت	راستی، راستگویی
صدف	گوشماهی
صدمه	آسیب، گزند
صدمه دیده	آسیب دیده
صراحت	روشنی، روشن گویی، رک گویی
صرف	گردانش، به کارگیری
صرفاً	به نابی، تنها
صرفنظر کردن	چشم پوشی کردن، دل فرو بستن
صریح	روشن، آشکار، رک، بی پرده
صعب العلاج	بی درمان، سخت درمان، درمان ناپذیر
صعود	بالارفتن، اوجگیری
صعودی	افزاینده
صف	رسته
صفت	فروزنده
صفحه	دیمه، برگه
صفویه	صفویان
صلاحدید	روادید، نیکخواهی
صلاحیت	شایستگی
صلح	سازش، آشتی
صلح طلب	آرامش خواه، آرامشجو
صلوة	نماز
صلوات	درود فرستادن
صلیت	چلیپا
صمیمی	خودمانی
صمیمیت	همدلی، یکدلی، یکرنگی
صندوق	گنج
صنعت	فیار
صنف	گروه، رسته، گونه
صورت	چهره، رخسار
صورتجلسه	نشست نامه
صورتحساب	سیاهه

شکارچی یا ماهیگیر	صیاد
نگهداری	صیانت
<b>بازگشت</b>	<b>ض</b>
پایندان، پذیرفتار	ضامن
از میان رفته	ضایع شده
پسمان ها	ضایعات
نهان ناخودآگاه	ضخیر ناخودآگاه
کلفت، ستبر	ضخیم
ناسازگار	ضد و نقیض
گنزدایی	ضد عفونی کردن
زبانزد	ضرب المثل
لت و کوب	ضرب و شتم
تپش	ضربان
کوبش، کوبه	ضربت
کوبه، تکانه	ضربه
زیان، گزند	ضرر
بایستگی	ضرورت
بایسته، بایا، ناگزیر، به ناچار	ضروری
بیازین است	ضروری است
سستی، ناتوانی، کم توانی	ضعف
ناتوان، لاغر، کم توان، سست	ضعیف
راسته، بر، پهلو	ضلع
پایندانی، پذیرفتاری	ضمانت
پیوست ها	ضمانم
پیوست به اینکه	ضمن اینکه
افزون بر آنکه	ضمن آنکه
افزون بر درست شمردن	ضمن تایید
در پیوست، افزون بر این، هم چنین	ضمناً
در ادامه باید گفت	ضمناً باید گفت
پیوست	ضمیمه
بزم	ضیافت
<b>بازگشت</b>	<b>ط</b>
توان، تاب، نا، پایاب، بردباری	طاقت
توان فرسا	طاقت فرسا
خواهان	طالب
بخت	طالع
ویس، تیره، دودمان، خاندان	طایفه

طب	پزشکی
طبی	پزشکی
طب‌اخ خانه	آشپز خانه
طب‌اخی	آشپزی، خوالیگری
طبخ	پختن
طبع	سرشت، منش، چاپ
طبع برگشتگی	واسرشتگی
طبع برگشتن	واسرشتن
طبق	برپایه
طبقه	آشکوب
طبقه بندی	دسته بندی
طیب	پزشک
طبیعت	سرشت، زیستگاه، کیاناد، نیاد
طبیعت انسان	سرشت آدمی
طبیعی	سرشتین، نیادی، بهنجار
تراز	تراز (همانند ترازو)
طراوت	شادابی
طرح	پیرنگ، فرانداز، پی ریزی، پیشنهاد
طرد شده	رانده شده، رانده
طرز	شیوه، روش، هنجار
طرز تفکر	بینش
طرف	سو، کرانه
طرفدار	پیرو، هوادار، هواخواه
طرفداران	پیروان، هواداران
طرفین	هردوسو
طریق	راه، روش، شیوه
طریقه	شیوه
طعم	مزه
طغیان	خروش، جوشیدن
طغیان کردن	برجوشیدن
طفل، اطفال	کودک، کودکان
طفیلی	ناخوانده، انگل
طلا	زر
طلافروش	زرگر
طلاق	خدایی
طلایی	زرین
طلب	خواست، خواهش، جستجو

طلب کردن	خواستن
طلبکار	بستانکار
طلوع	بردمیدن
طلوع آفتاب	برآمدن آفتاب، بردمیدن آفتاب
طمأنینه	آرامش
طمع	آز
طمعکار	آزمند، آزین
طناب	ریسمان، کمند
طهران	تهران
طور	گونه، شیوه، هنجار، روش
طوس	توس
طول	درازا
طول تاریخ	درازای تاریخ
طولانی	دراز، دیرانجام، دیرنده، زمانگیر
طول عمر	جاندرازی
طول کشیدن	دیر پاییدن
طویل	دراز
طی کردن	پیمودن، درنوردیدن، پویدن، پیمودن
طیف	بیناب
طیف وسیعی از	دامنه گسترده، گسترده بزرگی
طینت	نهاد، سرشت، درون
ظیور	پرندگان
ظ	بازگشت
ظالم	ستمگر، بیدادگر، جفاکار
ظالمانه	ستمگرانه
ظاهر	نما
ظاهری	برونین
ظاهر شدن	پدیدار شدن، هویدا شدن
ظاهراً	انسان که پیداست، چنین پیداست، همانا، گویا
ظاهرسازی کردن	وانمودکردن
ظرافت	خوشایندی، زیرکی، نکته سنجی، خوشگلی
ظرف	آوند
ظرفیت	گنجایش، گنجانه
ظریف	مویین، نرم، زیبا
ظعف	سستی، ناتوانی
ظفر	پیروزی
ظلم	ستم، بیداد، جفا

ظلمات	تاریکی، گمراهی
ظن	گمان
ظهر	نیمروز، پیشین
ظهور	پیدایش
ع	بازگشت
عابر	رهگذر
عابر پیاده	پیاده
عابربانک	خودپرداز
عاج	پیلسته
عاجز	درمانده
عاجز شدن	فروماندن، درماندن
عادت	خو، منش
عادت کردم	خو گرفتم
عادت کردن	خو گرفتن
عادل	دادگستر، دادگر
عادلانه	دادگرانه
عادی	بهنجار
عار داشتن	ننگ داشتن
عارضه	رخداد، ناهنجاری
عازم	رهسپار، راهی
عازم شدن	روانه شدن، رهسپار شدن
عاشق	دلدا، دلشده، پاکباز، بیدل، دلباخته
عاقبت	سرانجام، پیامد، فرجام
عاقبت به خیر	نیک فرجام
عاقل	خردمند، زیرک، استوار خرد
عالم	جهان، گیتی
عالم	دانشمند
عالمگیر	جهانگیر
عالی	بلند پایه، والا، بلند، ارجمند، بزرگوار
عالی رتبه	والا جایگاه، بلند پایه
عالیجناب	بزرگوار، والاگهر
عامل	انگیزه، کننده
عامیانه	تودگانه
عایدی	کار بهر
عبا	بالاپوش
عبادت	پرستش، گزاره
عبارتند از	براین پایه اند

عِبث	بیهوده، کزاف
عبرت	پند، پندآموزی
عبرت آموز	پندآموز
عبور و مرور	آمد و شد
عبورکردن	گذشتن
عبوس	ترشرو
عجب	شگفت
عجبا	شگفتا
عجز	درماندگی، ناتوانی
عجله	شتاب
عجله کردن	شتاب کن
عجول	بی شکیب
عجولانه	شتابزده
عجیب	شگفت آور، شگفت انگیز
عجین	آغشته
عدالت	دادگری، دادگرانه
عداوت	دشمنی
عدد	شماره
عدل	داد، دادگری
عدم	نیستی
عدم توجه	بی توجهی
عدم حضور	نبود
عدم موفقیت	ناکامی
عده ای	شماری، تنی چند
عدیده	پر شمار
عذر	بهانه، دست آویز
عذر می خواهم	پوزش میخوام، ببخشید
عذرخواستن	پوزش خواستن
عذرخواهی	پوزش
عذل	برکناری
عرصه	پهنه، گستره، قلمرو، میدان
عرض	پهنا
عرض اندام	جلوه نمایی
عرض حال	دادخواست
عرض کردن	گفتن
عرضه	نمایش، جریزه
عرضه نمودن	فرانمودن، نشان دادن



داد و خواست	عرضه و تقاضا
اروس، بیوگان	عروس
اروسی کردن، بیوگانی کردن	عروسی
پهن	عریض
سوگ	عزا
سوگواری	عزاداری
برکناری	عزل
برکنار کردن	عزل کردن
آهنگ، دل نهادن برکاری	عزم
گرامی، گرانمایه، مهربان	عزیز
رهسپار شدن	عزیمت کردن
انگبین	عسل
دلدادگی، دلباختگی، شیفتگی	عشق
افشُرِه، انگ، شیرِه	عصاره
پی	عصب
خشمگین، برآشفته	عصبانی
برآشفتن	عصبانی شدن
خشم، برآشفتگی	عصبانیت
ایوار، پسین، روزگار، دوره، دهر	عصر
دوره باستان	عصر باستان
زمانه فن آوری	عصر فن آوری
سرکشی	عصیان
اندام، هموند	عضو
هموندی	عضویت
ارزانی داشتن، بخشیدن	عطا کردن
تیر	عطارد
بازکشت	عطف
مهربانی	عطوفت
بزرگی، بلند پایگی، بزرگ منشی، بزرگواری	عظمت
سترگ، بزرگ، کلان	عظیم
کلان پیکر	عظیم الجثه
چارسایی، پاکدامنی، پرهیزکاری	عفاف
بخشش، آمرزش	عفو
شهباز، آگفت	عقاب
باورها	عقاید
پشت، واپس، بازپس	عقب
واپس ماندگی	عقب ماندگی

عقب مانده	واپس مانده
عقب نشینی	واپس نشینی
عقد	پیمانف پیمان زناشویی
عقربه	شاهنگ
عقل	خرد
عقلانیت	خردمندی
عقیده	باور، دیدگاه
عقیم	سترون، نازا
عکس	فرتور
عکس العمل	واکنش
علام	نشانه ها
علام رانندگی	نشانه های رانندگی
علاج	چاره، درمان
علاقمند	دوستدار
علاقمندی	دل بستگی
علاقه	دل بستگی
علاقه دارم	دل بستگی دارم
علاقه داشتن	دل بستگی داشتن
علاقه مند شدن	دل بستن
علامت	نشانه، نشان، نمودگار
علاوه بر	افزون بر آن، افزون بر
علاوه بر این	افزون بر این
علت	شوند
علم	دانش
علم بدیع	دانش نوآوری
علم ریاضیات	دانش رایشگری
علمی	دانشوارانه
علنی	اشکار
علنی شد	اشکار شد
علی الحساب	پیش دریافت، پیش دریافت، پیش ستان
علی الخصوص	به ویژه
علی ای حال	به هر روی
علیرغم	با اینکه
علیه او شورید	بر او شورید
عمامه	دستار
عمداً	دانسته، آگاهانه
عمده	بزرگ

زندگی	عمر
آبادانی	عمران
گودی، ژرفا	عمق
ژرفنایی	عمقی
کنش، کردار، کار	عمل
کارکرد	عملکرد
کارگر	عمله
ستونی	عمودی
همگانی	عمومی
گود، ژرف	عمیق
آگاهی	عنایت
تارتک، کارتک	عنکبوت
سرنویس، ناژنام، فرنام، نهند، سرنامه	عنوان
پیمان	عهد
پیمان نامه	عهدنامه
پیامدها	عواقب
مردم فریت	عوام فریب
مردم فریبانه	عوام فریبانه
درآمدها	عواید
پس دادن، پس فرستادن	عودت دادن
پس فرستادن	عودت کردن
جابجاکردن	عوض کردن
همسر، کمبود	عیال
آشکارا، هویدا	عیان
بدی، آک، کمبود	عیب
آکمند	عیب دار
جشن، روزبه	عید
جشن نوروز	عیدنوروز
خوشگذرانی	عیش ونوش
چشمی، چشم افزار	عینک
برون خودی	عینی
<b>بازگشت</b>	<b>غ</b>
تاراج	غارت
ناآگاه از آنکه	غافل از آنکه
بیشتر مردم	غالب مردم
بیشتر	غالباً
نَهست	غایب

غبار	گرد
غذا	خوراک
گرامت	تاوان
غرب	باختر
غرض	چشم داشت
غرض ورزی	بداندیشی
غروب	شامگاه
غرور	بزرگ خویشتنی، خودبینی
غریب	ناآشنا، دور، ناشناخته
غریبی	ناآشنایی
غسل	شست و شو
غصه	غم، اندوه
غضب	خشم
غفران	آمرزش، بخشایش
غفور	بخشایشگر، آمرزگار، بخشاینده
غلات	جو و گندم
غلاف	روکش، پوشینه، پوشش
غلام	برده
غلبه	چیرگی، فرادستی
غلبه کردن	چیره شدن
غلط	نادرست، بیراه
غلطیدن	غلطیدن
غلیظ	چگال
غنا	پرمایگی
غنی	پرمایه، توانگر، بی نیاز
غواص	آب ورز، آب باز
غوز	گوژ
غیبت	بدگویی
غیبگو	پیشگو
غیر	دیگر، جز، مگر، سوا، بناخواست، بیگانه
غیر ارادی	بناخواست
غیر ضروری	نا بایست، نا پایا
غیر عادی	ناهنجار
غیر فعال	بی کنش
غیر فعال کردن	از کار انداختن
غیر قابل اجرا	انجام ناپذیر
غیر قابل ارجاع	برگشت ناپذیر

نرمش ناپذیر	غیر قابل انعطاف
باور نکردنی	غیر قابل باور
نا بخشودنی	غیر قابل بخشش
ناگفتنی	غیر قابل بیان
برنتافتنی	غیر قابل تحمل
دی نیافتنی	غیر قابل درک
دست نیافتنی	غیر قابل دسترس
نا بخشودنی	غیر قابل عفو
در نیافتنی	غیر قابل فهم
سنجش ناپذیر	غیر قابل مقایسه
نابهنگام	غیر مترقبه
بینوا	غیر مرفه
نابهنجار	غیر معمول
نشدنی، ناشدنی	غیر ممکن
بخش ناپذیر	غیر قابل قسمت
مهار گسیخته	غیر قابل کنترل
خشم	غیظ
<b>بازگشت</b>	<b>ف</b>
پیروز شدن	فائق آمدن
پیروزمند	فاتح
روسیپی	فاحشه
پارسی	فارسی
آسوده	فارغ
آسوده دل	فارغ البال
دانش آموخته	فارغ التحصیل
تباه	فاسد
بازه	فاصله
دور شدن	فاصله گرفتن
فرجاد	فاضل
پساب	فاضلاب
کننده، کنشگر، کنا	فاعل
بی بهره از	فاقد
بی ارزش	فاقد اعتبار
برگ خرید	فاکتور خرید
دورنگار	فاکس
بستگان، خویشاوندان، دودمان	فامیل
خانوادگی	فامیلی

فانی	زودگذر، میرا، نیست شونده
فایده	سود، هوده
فایل	پرونده
فتح یا ظفر	پیروزی
فتنه	آشوب
فتوادادن	فتودن
فحاشی	ناسزاگویی
فحش	ناسزا، دشنام
فدایی	جانباز
فر	تنور، اجاق
فرار	گریز
فرار از	گریز از
فراغت	آسایش
فرامین	فرمان ها
فرانشیز	خود پرداخت
فردی	تکی، تکرwane
فرض	انگاره
فرض کرد	پنداشت
فرضیه	انگاره، گذاره، پنداره
فرع	شاخه
فرقه	دسته، گروه
فرکانس	بسامد
فرم	گونه، سان، ریخت
فرمول	ساختار، سائیز، بیختار
فساد	تباهی
فسیل	سنگواره
فصاحت	روانی، سخن، زبان آوری، روشن گویی
فصل	موسم، ورشیم، فرگرد
فصل کتاب	نسک
فصیح	شیوا، روان، رسا، زبان آور، خوش سخن
فضا	اسپاس، کیهان، فراسو، فرامون
فضانورد	کیهان نورد
فطرت	سرشت
فعال	پرکار، پویا، پرکنش
فعالیت	تکاپو، کارو جنبش، کوشش
فعل	کارواژه، کنش، کردار
فعلاً	هم اینک

فعلی	کنونی
فقدان	نبود
فقر	تهیدستی، نداری
فقط	تنها
فقه	دین شناسی
فقیر	تهیدست، ندگدست
فقیه	دین شناس
فکر	اندیشه
فکر	اندیشه
فکر کردن	اندیشیدن
فکس	دورنگار
فلاسک	دمابان
فلذا	بنابراین، پس
فلش	پیکان
فوت شد	درگذشت، مرد
فوراً	بی درنگ
فوق	بالا، یادشده
فوق الذکر	یادشده
فوق العاده	بی اندازه
فوق برنامه	فرا برنامه
فوق تخصص	فراستاد
فوقانی	بالایی
فی الفور	در دم
فی المثل	برای نمونه
فی الواقع	به راستی
فی نفسه	به خودی خود
فیش	برگه
فیلتر	پالایه
<b>ق</b>	<b>بازگشت</b>
قابل انجام	شدنی
قابل پیش بینی	پیش بینی کردنی
قابل تأمل	درنگ کردن
قابل توجه	چشمگیر، درخور نگرش
قابل دسترس	دست یافتنی
قابل ذکر است	گفتنی است
قابل شما را ندارد	سزاوارتان نیست
قابل قبول	پذیرفتنی

بخش پذیر	قابل قسمت
مهارشدنی	قابل کنترل
خواندنی	قابل مطالعه
خواندنی نیست	قابل مطالعه نیست
مهار شدنی	قابل مهار
پازاج، پیش نشین، ماما	قابله
توانایی، شایستگی، آمادگی	قابلیت
بخش پذیری	قابلیت قسمت
آدمکش	قاتل
قاجاران، قاجار	قاجاریه
توانا، توانمند، نیرومند	قادر
خشکاد	قاره
کم چه	قاشق
دادرس، داور	قاضی
استر	قاطر
هنجار، چم، هند	قاعده
کاروان	قافله
واژه نامه، فرهنگ	قاموس
فرسار، دادیک، فردید	قانون
پنهان	قایم
تیره ها	قبایل
گور، آرامگاه، مزار	قبر
گورستان	قبرستان
رسید، برگه فروش	قبض
رسید انبار	قبض انبار
پیش	قبل
پیش از	قبل از
پیشتر، پیش از این	قبلا
پیشین	قبلی
پذیرفته شده	قبول
پذیرفتن	قبول کردن
می پذیرم	قبول می کنم
زشت	قبیح
گونه، سان	قبیل
کشتن	قتل
کشتار	قتل عام
خشک سالی	قحط سالی



خشکسالی، کمیابی	قحطی
سبو	قدح
اندازه، گونه، ارج	قدر
نیرو، توان، توانایی، توش	قدرت
توان نهفته	قدرت بالقوه
جاه پرست، فزون خواه	قدرت طلب
نیرومند	قدرتمند
سپاسداری	قدردانی
ارزششناس	قدرشناس
اندکی، کمی	قدری
سربرافراشتن	قد علم کردن
گام دوم	قدم دوم
پیشینیان	قدما
دیرینگی، پیشینه، دیرینه، کهنگی	قدمت
پیشترها	قدیم الايام
کهن، پارینه، کهنه، دیرین، دیرینه	قدیمی
خواندن	قرانت
پیمان	قرار
می نهاد	قرار می داد
پیمان نامه	قرارداد
پیمان بستن	قرارداد بستن
نهادن، گذاشتن	قراردادن
نزدیکی	قربت
وام، بدهی	قرض
وام بی بهره	قرض الحسنه
سده	قرن
ترف	قره قروت
سده ها	قرون
میانسده ای	قرون وسطایی
سده های میانی	قرون وسطی
نزدیک	قریب
زود هنگام	قریب الوقوع
بازپرداخت	قسط
گاهانه، ماهانه	قسطی
سوگند	قسم
سرنوشت، بخت، بخش، پاره، سرنوشت	قسمت
بخش دوم	قسمت دوم

سنگدل	قسی القلب
آهنگ، انگیزه	قصد
برآند	قصد دارند
یازنده	قصد کننده
آهنگ آن کردن، یازش، یازیدن	قصدکردن
کاخ، کوشک	قصر
کوتاهی	قصور
داستان، انگارش	قصه
چکامه	قصیده
سرنوشت	قضا و قدر
دادگستری	قضائیه
داوران، دادگران	قضات
داوری، دادرسی	قضاوت
داوری کردن، داورزیدن	قضاوت کردن
گزاره	قضیه
برش	قطع
بریدن درختان	قطع درختان
بریدن	قطع کردن
بی گمان	قطعاً
تکه، بخش	قطعه
سد در سد	قطعی
گنجه، دولاب	قفسه
چیلان	قفل
چیلانگر	قفل ساز
چنگک	قلاب
دژها	قلاع
دل	قلب
دل واره	قلب مصنوعی
از ته دل	قلباً
کلات	قلعه
خامه	قلم
گستره	قلمرو
چکاد	قله
ماهواره	قمر مصنوعی
کاریز، کهریز	قنات
بسندگی	قناعت
بسندگی کردن	قناعت کردن

قند	کند
قنوات	کاریزها
قهر	پر خاش، خشم
قهر آمیز	خسونت آمیز، پر خاشگرانه
قوت	نیرو
قوام	پایداری
قوای	نیروهای
قوز	گوژ
قوس	کمان
قول	پیمان، فرمایش، گفته
قول دادن	پیمان بستن، سوگند خوردن
قوم	تیره
قوه	نیرو، توان
قوه قضائیه	نیروی دادگستری
قوی	نیرومند، زورمند
قیم	سرپرست
قیاس	هم سنجی، فراسنجی، هم پنداری، سنجش
قیافه	چهره، رخسار، ریخت
قیافه	شورش، خیزش
قیام	خیزش، بپا خاستن
قیامت	رستاخیز، روز باز پسین
قید	پا بند، بند
قیمت	بها، ارزش، نرخ
قیمتی	ارزنده، بهادر، بهاگیر، گرانبها
قیمومیت	سرپرستی
ک	بازگشت
کابل	بافه
کابوس	بختک
کابین	اتاقک
کابینت	گنجه
کاتالیزور	کنشیار
کاتب	نویسنده
کادو	ارمغان، پیشکش
کاذب	دروغین
کار مشکلی است	کار دشواری است
کارخانجات	کارخانه ها
کاسب	سوداگر، پیشه ور

کاشف	یابنده، بازیابنده
کافر	بی خدا، خدانشناس
کافی	بسنده، بس
کافی است	بس است
کامپیوتر	رایانه
کاملاً	سراسر، سخت، یکسره
کانال	آبراه
کاندیدا	نامزد
کاهل	تنبیل
کبد	جگر
کبد مصنوعی	جگرواره
کبیر	بزرگ
کپی	رونوشت، روپرداری، رونویسی
کُت	نیمتنه
کتاب	ماتیکان، نسک، نوشتار
کتابت	نویسندگی، نوشتن
کتابخانه	نسکخانه
کتبی	نگارشی، نوشتاری
کتیبه	نِبشته
کثافت	آلودگی
کثرت	فراوانی
کثیر	بزرگ، گسترده
کثیرالانتشار	پرشماری، باچاپ گسترده
کثیف	ناپاک، آلوده
کُد	شناسه
کدورت	دلگیری
کذاب	دروغگو
کذب	دروغ
کرامت	بزرگواری
کروشه	چنگک
کروی	گویالی
کُره	گوی، گویال
کریستال	بلوره، بلور، بلوری
کسب	درآمد
کسب علم	دانش اندوزی
کسب و کار	سوداگری
کسر	بخش، برداشتها، برخه

کاستن	کسر کردن
خورشید گرفتگی	کسوف
یافته، پیبرد، نویابی	کشف
کفشگر	کفاش
کفشگری	کفاشی
پایندانی	کفالت
بسند، بسندگی	کفایت
بسند می کند	کفایت می کند
بی خدایی، خدانشناسی	کفر
خاکسپاری	کفن و دفن
پایندان، پذیرفتار	کفیل
همه	کل
همه دوستان	کل دوستان
رویهمرفته، سراسر، همگی	کلاً
دانشپایه، آموزگاه	کلاس
سخن، گفتار	کلام
سخن خدا	کلام خدا
کلاه از من است	کلاه مال من است
واژه ها	کلمات
واژه	کلمه
گذرواژه	کلمه عبور
فراگیر	کلی
همگی، تلیک	کلیت
نماهنگ	کلیپ
درمانگاه	کلینیک
همگی، همه	کلیه
کم مانند، بی مانند	کم نظیر
چند و چون	کم و کیف
همچون پیش	کمافی السابق
همچنان	کماکان
کهنتری	کمال
شایستگی، شایستگی ها	کمالات
گنج	کمد
یاری، مدد، همراهی	کمک
چندی	کمیت
گروه	کمیته
زیر و زبر	کن فیکون

کنترل	مهار شدنی، بازرسی، واریسی، بازدید، بازیابی
کنکور	شمارنده
کنکور	گذرآزمون
کنگره	همایش
کھولت	پیری
کوپن	کالابریگ
کیاست	زیرکی، هوشیاری
کیفیت	چونی، چونگی
<b>گ</b>	<b>بازگشت</b>
گارسون	پیشخدمت، شاگرد
گالری	نگارخانه
گاهی اوقات	هرازگاهی
گرامر زبان	دستور زبان
گریدر	شیب ساز
گریم	چهره پردازی
گریمر	چهره پرداز
گزارشات	گزارش ها
گُلر	دروازه بان
گمرک	بازگاه
گیربُکس	جعبه دنده
گیشه	باچه
<b>ل</b>	<b>بازگشت</b>
لابالی	بی بندوبار، بی سروپا
لااقل	دست کم
لاجرم	خواه ناخواه
لازم	دربایست، بایا، بایسته، نیازین
لازم است	می بایست، نیاز است
لازم الاجرا	بایسته انجام
لازم بودن	دربایستن
لازم نیست	نیاز نیست
لامسه	بساوایی
لایتناهی	بی پایان، بیکران
لایق	شایسته، سزاوار، کارآمد، درخور، فراخور
لاینحل	ناگشودنی
لاینفک	جدانشدنی، جدایی ناپذیر، ناگشودنی
لاینقطع	پیوسته، همواره
لباس	پوشاک، جامه، تن پوش، رخت

لباس پوشیدن	جامه پوشیدن
لب تاب	رایانک
لجهاز	یکدنده، ستیزه جو
لجبارى	یکدندگی
لجن	لژن
لحاظ	دیدگاه، نگرش
لحاظ کردن	درنگر آوردن، درنگریستن
لحاظ کنید	بنگرید
لحاف	روانداز
لحظه	دم
لحظه به لحظه	دم به دم
لذیذ	خوشمزه
لزوم	بایش
لطف	مهربانی
لطفاً	خواهشمندم، خواهشمند است
لطیف	نرم
لعنت	نفرین، فرنه، دشنام
لعنت کردن	نفرین، نفرین کردن
لغایت	تا
لغت	واژه
لغتنامه	واژه نامه
لفافه	کارپیچ، پوشه
لفاظی	واژه بازی
لقب	فرنام، نامواره، بازنام
لقمه	نواله
لکنت کلام	گیرگفتار، زبان کندی، زبان گرفتگی
لمس کردن	بساویدن
لنز	عدسی
لوازم	ابزارها، ابزار، افزار
لوازم التحریر	نوشت افزار
لودر	خاک بردار
لهجه	گویش
لیاقت	شایستگی، کارآمدی، برازندگی، سزاواری
لیست	فهرست، سیاهه
لینک	دنبالک، پیوند

بازگشت	م
تار، کدر	مات
وامانده	ماترک
دستاورد	ماحصل
برگرفته	ماخوذه
تا هنگامیکه	مادام
همیشگی	مادام العمر
تاهنگامی که	مادامی که
بند	ماده قانون
کافی	ماده معدنی
زیر، فرو	مادون
گیتایی	مادی
مشت و مال	ماساژ
به نام و یاری ایزد	ماشاءالله
خودرو	ماشین
گذشته، پارینه	ماضی
فرا تر از	ما فوق
از آتش	مالکیت
پاژ	مالیات
کارگزار، فرمانبر	مامور
شهربان	مامور پلیس
راهبند، گیر	مانع
راهبند چیست	مانع در راه چیست
گیر کار چیست	مانع کار چیست
نمایشگر	مانیتور
چیره دست	ماهر
سرشت، چیستی	ماهیت
سرشت کار	ماهیت کار
فرا، آن سوی	ماورا
فراسرشت، فراسپهر	ماوراء الطبیعه
فرارود	ماوراء النهر
فرای	ماورای
نیازها، نیازمندها	مایحتاج
آبگون	مایع
دلسرد	مایوس
گفتگوها	مباحث
گفت و شنود، گفتاورد	مباحثه



مبارک	هم گهولی، گهولش، داد و ستد
مبارک باد	فرخنده، خجسته، همایون
میتدی	خجسته باد
میتکر	تازه کار، نوآموز
مبتکرانه	نوآور
مبتلا	نوآورانه
مبتلا به مریضی	دچار
مبتنی	دچار بیماری
مبحث	بر پایه
مبدأ	جستار
مبذول کردن	خاستگاه، آغاز
میهم	پرداختن، بخشیدن
مبهوت	پوشیده، پیچیده، سر بسته
مبین	گیج
متاثر	بازگو کننده
متارکه	دل آزرده
متاسفانه	جدایی
متأسف	بدبختانه، شوربختانه، دریغ، نگونبختانه
متبحر	دریغ مند
متحجر	زبردست، چیره دست
متحجرانه	واپسگرا
متحد	واپسگرایانه
متحرک	همبسته
متحول	جنبنده
متحول کردن	دگرگون
متحیر	دگرگون کردن
متخصص	هاژ، هاج و واج، سرگشته، درمانده
متخصصان	کارآزموده، کارشناس، ویژه کار
متخصصین	کار آزمودگان
متد	کار آزمودگان
متداول	شیوه، روش، راه
مترادف	فراگیر
متراکم	همچم
مترجم	چگال، فشرده
مترقی	برگرداننده
متزلزل	پیشرفته
	لرزان

متسلسل	زنجیروار
متشکر	سپاسمند
متشکر م	سپاسگزار م
متشکریم	سپاسگزاریم
متشکل از	در بر گیرنده
متصاعد	فرایز، بالارونده
متصل	پیوسته، بهم پیوسته، همبند، همبسته
متصل کردن	چسباندن
متضاد	در برابر، پادواژه، همستار
متضمن	در بر دارنده
متعادل	تراز مند، هم وزن، برابر
متعاقب	به دنبال، در پی
متعاقباً	پس از این
متعال	والا
متعجب	شگفت زده
متعجب شد	شگفت زده شد
متعدد	انبوه، بیشمار، بسیار
متعصب	خشک سر، ستهنده
متعلق	از آن
متعهد	پایبند
متفاوت	ناهمسان، ناهمتا
متفرق	پراکنده
متفرق کردن	پراکنده کردن، پراکندن
متفرقه	در هم
متفق القول	یکزیان، همزیان
متفکر	اندیشمند، اندیشه ور
متفکران	اندیشمندان
متقابلاً	در پاسخ، دوسویه
متقارب	همرس، نزدیک شونده
متقاضی	درخواست کننده، خواستار
متکا	پستی
متکلم	سخنگو
متکبر	برمنش، خود پسند، گرانس
متلاشی	فروریخته
متمادی	دراز
متمایز	جدا
متمتع	برخوردار

متمم	رساگر، پایان بخش
متمنی	خواهشمند
متمول	توانگر، دارا
متن	زمینه، درون
متناوب	پی در پی
متنفر	بیزار
متنفر بودن	بیزار بودن
متوالی	پشتاپشت، پیایی، پشت سر هم
متنوع	گوناگون
متواتر	پی در پی
متواضع	فروتن
متوالی	پیایی، پی در پی
متوجه	آگاه، روی آور
متوجه شدن	روی آوردن
متورم	آماسیده
متوسط	میانه، میانگین
متوسط الحال	میانمایه
متوفی	درگذشته
متوقف شد	باز ایستاد
متوقف شدن	باز ایستادن، ایستادن
متولد شده	زاده شده
متولی	دست اندرکار، سرپرست
متولیان	دست اندرکاران
متین	هشیوار
مثال	نمونه، مانند، وارینه
مثل	نمونه، مانند
مثل اینکه	انگار که، گویا
مثلاً	همانند
مثلث	سه گوش، لچک
مثلثی	لچکی
مثمر ثمر	کار ساز، به کار آمد
مثمر ثمر واقع شد	به کار آمد
مجاز	پسندیده، روا
مجازات	سزا، پادفره، کیفر، باد آفراه
مجانی	رایگان
مجبور	ناچار، وادار، واداشته، ناگزیر
مجبور کردن	واداشتن

همتافت	مجتمع
دوباره	مجدد
دوباره	مجدداً
شیفته، شیدا	مجنوب
کار آزموده	مجرب
بزهکار، تبهکار	مجرم
زخمی، افگار	مجروح
تندیس، پیکره	مجسمه
انجمن	مجلس
پرشکوه، پر نما	مجلل
گاهنامه	مجله
گردهمایی، همایش، انجمن	مجمع
روی هم	مجموعاً
گرد آورد، کوده، جنگ	مجموعه
میان تهی، پوک، کاواک	مجوف
دیوانه، شیدا	مجنون
پروانه	مجوز
آماده شده، آماده	مجهز
ناشناخته، ناشناس	مجهول
ناشناس	مجهول الهویه
جنگ	محاربه
شمارش، برآورد	محاسبه
نسنجیده	محاسبه نشده
نگهبان، پاسدار	محافظ
ناشدنی، ناشو	محال
زندان	محبس
دوست داشتنی	محبوب
زندانی	محبوس
مستمند، نیازمند	محتاج
استوارکار	محتاط
پرواگرانه	محتاطانه
ارجمند، گرمی، بزرگوار	محترم
شایمند	محتمل
درونمایه، درونه	محتوی
درونمایه	محتویات
اندک، کران مند، کرانه پذیر، مرز پذیر	محدود
در تنگنا گذاشتن	محدود کردن

محدوده	تنگنا، چارچوب
محدودیت	کران مندی، چارچوب
محدوریت	تنگنا
محرز	آشکار
محرک	جنباننده
محرّم	رازدار، همراز
محرمانه	پوشیده، پنهان
محروم	بی بهره، نامراد، ناکام
محسوب	شمرده، شمرده شده، بشمار آورده شده
محسوب کردن	برشمردن
محسوس	چشمگیر، سترسا، آشکار
محتشر	رستاخیز
محصل	دانش آموز، دانش ور
محصول	فراورده، پرونداد، دستاورد، دستیافت
محضر	پیشگاه
محضر اسناد رسمی	دفترخانه
محموظ	نگاهداشته
محقق	پژوهنده، پژوهشگر
محققانه	پژوهشگرانه
محکم	استوار، پابرجا، سخت
محل	جا، جایگاه
محل اکتشاف	یافتگاه
محل تلاقی	پیوندگاه
محل تولد	زادبوم، زادگاه
محل صدور	بونگاه
محلّه	برزن، کوی
محلول	آبگونه
محلی	بومی
محموله	بار
محنت	درد، آزار، اندوه
محوطه	گردونه
محوّله	سپرده شده
محیط	پیرامون، پیراگیر
مخاصمه	رزم، دشمنی
مخاطب	بیننده، شنونده
مخالف	ناساز، ناسازگار
مخبر	خبرنگار، خبررسان

مختار	خود رأی، آزادکام، گزیننده
مختصر	ناچیز، کوتاه
مختصراً	به کوتاهی، گزیده
مختل	بهم خورده، نابسامان، تباہ
مختلط	درهم، بهم آمیخته
مختلف	گوناگون، ناهمسان
مختوم	انجام یافته، به پایان رسیده
مخدر	سست کننده
مخرب	ویرانگر
مخرج	برونگاه
مخزن	انباشتگاه، اندوختگاه، انبار
مخصوص	ویژه
مخفی	پنهان، نهان، ناپیدا
مخفی شدن	ناپدید شده
مخفیانه	پنهانی
مخفیگاه	نهانگاه
مخلوط	درهم، آمیخته، آمیزه
مخلوط کردن	آمیختن، درآمیختن
مخلوق	آفریده
مخمصه	هَجَل
مد (دردریا)	خیزاب
مداح	ستایشگر
مداخله	پادرمیانی
مداوا	درمان
مداوم	همیشگی، پیایی، همواره، یکسره
مدت	زمان
مدت مدید	دیرگاه
مدتی است	چندی است
مدد	یاری
مدد جو	یاری جو
مدرس	استاد، آموزگار
مدرسان	آموزگاران
مدرسه	آموزشگاه
مدرسین	آموزگاران
مدرک	دستک
مدرن	امروزین، نوین
مدعا	داویده

مدعوین	میهمانان، فراخوانندگان
مدعی	خواستار، داونده، داومند
مدعی شدن	داویدن
مدعی علیه	خوانده
مدفن	گور، آرامگاه، مزار
مدفون کردن	به خاک سپردن
مدل	الگو، نمونه، سرمشق
مدنظر	دلخواه
مدنظر داشتن	در نگر آوردن، در نگرستن
مدیر	گرداننده
مدینه فاضله	آرامشهر
مدیون	وامدار
مذاکرات	گفتگوها
مذاکره	گفتگو
مذبوحانه	نافر جام
مذکر	نر، نرینه
مذکور	یاد شده
مذمت	نکوهش
مذمت کردن	نکوهیدن
مذموم	نکوهیده، ناروا
مذهب	کیش، آیین
مرابحه	بهره کاری
مراتب	چگونگی
مراتع	چراگاه ها
مراجعت	بازگشت
مراجعه	بازگشت
مراجعه کردن	سرزدن
مراسم	آیین ها
مراقبت	نگهداری، تیمار
مربع	چهارگوش
مربوط	بسته، پیوسته
مربوطه	وابسته
مربی	پرورنده، پروراننده
مرتب	بسامان، سازماند، بچم، آراسته، در جای خود
مرتب کردن	سامانیدن
مرتباً	پی در پی
مرتبت	جایگاه

مرتب	پیوسته، همواره
مرتج	واپسگرا، کهنه پسند، بازگشت کننده
مرتد	رانده شده
مرتع	چراگاه، چمنزا
مرتعش	لرزان
مرتفع	بلند
مرتیه	سوگنامه
مرجوع	بازگشت
مرحبا	آفرین
مرحله	گامه
مرحله دوم	گام دوم
مرحوم	شادروان
مرحومه	شادروان
مدنظر	دلخواه
مردود	افتاده
مرسوله	فرستاده
مرسوله پستی	بسته پستی
مرسوم	به آیین
مرسی	سپاس
مرض	بیماری
مرطوب	نمناک، نمور، نمدار، تر، آبناک
مرفه	بانوا
مُرکب	رہوار
مُرکب	دوات، آمیخته، سرشته
مرکز	کانون، ونسار، وندسار
مرکز تجاری	سوداگده
مرکز تحقیقات	پژوهشگاه
مرکز ثقل	گرانگاه، گرانیگاه
مرهون	وامدار
مرور	بازبینی
مرور	بازنگری، بازبینی، رفت و آمد
مربخ	بهرام
مرید	پیرو
مریض	بیمار
مریض خانه	بیمارستان
مریضی	بیماری
مزاح	شوخی



مزااحم شدن	دردسر دادن
مزایا	برتری ها
مزایده	هم افزایی
مزخرف	لیچار
مزرعه	کشتزار
مزیت	برتری
مزین	آراسته
مسؤلان	کارگزاران
مسؤلان	کارگزاران، دست اندرکاران
مسئله	چالش، پرسمان
مسئول	پاسخگو، سرپرست
مسئولیت	سرپرستی، پاسخدهی
مسائل	پرسشها، دشواری ها
مسابقه	پیکار
مساعدت	کمک، همیاری
مسافر	رهنورد، رهسپار
مساوات	برابری
مساوی	برابر، پایاپای، یکسان
مستبد	خودکامه، خودسر
مستبدان	خودکامگان
مستتر	نهان، پنهان
مستحضر	آگاه
مستحق	سزاوار، درخور
مستدعی	خواهشمند
مستراح	دستشویی، آبخانه، دست به آب
مستشرق	خاورشناس
مستضعف	تهیدست، بینوا، فرودست، ستمدیده
مستعمل	کارکرده
مستفیض	بهره مند
مستقر	برپا شده، جای گرفته
مستقل	بدون وابستگی، خودسالار، ناوابسته
مستقیم	سرراست، راست
مستقیماً	آشکارا، یکرست
مستکبر	خود بزرگ پندار
مستمر	پیوسته
مستمین	شنوندگان
مستهلك	فرسوده

مستولی	چیره
مسخره است	خنده دار است
مسخره کردن	ریشخند کردن
مسرور	شادمان
مسری	واگیر
مسقط الراس	زادگاه
مسکن	سرپناهف آرامبخش
مُسکن	آرامبخش
مسلح	تفنگدار
مَسْلَخ	کشتارگاه
مسلط	چیره، چیره دست
مسلم	بیگمان، روشن
مسلماناً	بی گمان
مسن	سالخورده، پیر، کهنسال
مسیر	راه، گذرگاه، روش
مسیل	خشکرو، آبراه
مشابه	همانند
مشارالیه	نامبرده
مشارکت	همکاری، هم انبازی، میانوندی
مشاهده	نما، دیدن، هم بینی، پرنگری
مشاهده کردن	تماشاکردن، درنگریستن
مشاهیر	نام آوران
مشاور	رایزن
مشاوره	رایزنی
مشتاق	آرزومند
مشترک	میانوند
مشترک المنافع	همسود
مشتری	هرمز
مشتق	شیب، آمده از، فرامده، فراجسته
مشتق شدن	فراگرد آمدن
مشمتمل بر	دربردارنده
مشخاص	شناخته شده
مشخصات	شناسه ها، ویژگیها
مشخصه	ویژگی، شناسه
مشرق	خاور
مشغله	کارو بار، پیشه مندی
مشغول	دست به کار

مشغول بودن	سرگرم بودن
مشفق	دلسوز
مشفقانه	دلسوزانه
مشقت	رنج
مشکل	چالش، دشوار، دشواری
مشکل است	سخت است
مشکلات	دشواری ها
مشکوک	بدگمان
مشهور	نامی، نامدار، سرشناس، پرآوازه، نامور، بلند آوازه
مشورت	رایزنی، کنکاش
مصاحبه	گفتگو
مصادره	بازگیری
مصالح ساختمانی	ساختمایه ها
مصالحه	سازش، آشتی
مصدر	ریشه، بن واژه
مصدوم	آسیب دیده، زخمی
مصرّانه	پایمردانه
مصرّ بودن	پای فشردن
مصرف	کاربرد، کارکرد، گسارش
مصرف کردن	گساریدن
مصرف کننده	گسارنده
مصلی	نمازگاه، نمازخانه
مصنوعی	ساختگی
مصوبه	برنهاد
مضر	آسیب رسان، زیان آور، زیانمند
مضارع	زمان کنونی
مضاف الیه	برگیر
مضایقه	خودداری
مضایقه نمی کنم	خودداری نمیکنم، فروگذاری نمیکنم
مضطرب	پریشان، سرآسیمه، آسیمه سرا، پریشان
مضطرب هستم	پریشانم
مضمون	درونمایه
مضیقه	تنگنا
مطب	دفتر پزشکی
مطالب	نوشته ها
مطالبات	خواسته ها
مطالبه	هم خواهی، دادخواست، درخواست

پژوهش ها	مطالعات
بررسی، خواندن، پژوهش، خوانش	مطالعه
آشپزخانه	مطبخ
دلنشین، دلپذیر، دلپسند، گوارا	مطبوع
درمیان گذاشتن	مطرح کردن
رانده شده	مطرود
نوشته	مطلب
آگاه	مطلع
آگاهانیدن، آگاه کردن	مطلع کردن
بی چون و چرا	مطلق
جداشده	مطلقه
دلخواه	مطلوب
استیگان، استوان، آسوده خاطر	مطمئن
استیگان بودن	مطمئن بودن
بی گمان	مطمئناً
فرمانبردار	مطیع
ستمیدیده	مظلوم
نماد	مظهر یا سمبول
با اینهمه	مع الوصف
با اینهمه	مع هذا
گذرگاه ها	معابر
رستاخیز	معاد
برابر، همچند، همسنگ، همتا	معادل
همچندی، همسنگی	معادله
دانش ها	معارف
روزی	معاش
آمیژگار، همنشین، همدمی	معاشر
آمیژگاری، همنشینی، همدمی	معاشرت
امروزین، امروزی، هم روزگار، هم دوره	معاصر
بخشودگی	معافیت
داد و ستدها	معاملات
دشمنی	معاندت
پیمان نامه	معاهده
جایگزینی	معاوضه
دستیار	معاون
گذرگاه	معبر
پرسته	معبود

معتبر	به نام، ارزشمند
معتدل	میانی
معرض	واخواه، خرده گیر
معتقدات	باورها
معتقد بودن	بران بودن، باور داشتن
معجزه	فرجود
معدّل	میانگین، برابر شده
معدن	کان
معدنی	کانی
معدود	شمرده شده، اندک، کم
معدودی	شماری
معدّب	رنجیده
معرض	پیش، جلو، فرارو
معرف	شناسه
معرفه	آشنا
معرفی	شناسایی، آشناسازی، شناساندن
معروف	سرشناس، نامور، بلندآوازه، بنام، نامی
معروفترین	نامی ترین
معروفیت	آوازه
معشوق	دلبر، دلدار
معصوم	بیگناه
معضل	کاستی، دشواری
معضلات	کاستی ها
معطر	خوشبو، بویا
معقول	بخردانه
معکوس	وارون، واژگون، وارونه
معلق	آویزان
معلم	آموزگار
معلوم	آشکار، دانسته
معلومات	دانسته ها
معما	چیستا، پوشیده
معمار	والادگر، مهراز
معماری	مهرازی
معمم	دستار بند
معمولا	هماره، بیشتر
معنوی	مینوی
معنویت	مینویی

معنی	چم، آرش
معوق	پس افتاده
معیار	سنجه
معیوب	آکمند
مغازه	دکان، فروشگاه، انبار
مغایر	ناسازگار، ناساز، نایکسان
مغذی	پرنیرو
مغرب	باختر
مغرور	خودخواه، خودپسند، خودبین، گرانس، خودفریفته
مغفرت	آمرزش، بخشایش
مفاد	گفتارها
مفتوح	باز
مفرح	دلگشا، شادی بخش
مفرد	تکتا
مفسد	جلویز
مفصل	بندگاه، بند
مفصل	گسترده، پر دامنه
مفعول	پوینده، کرده، کنشگیر
مفقود الاثر	ناپدید، گم نشان
مفقود شده	گم شده، ناپدید شده
مفلوک	بیچاره، درمانده، بدبخت
مفهوم	پنداره
مفید	سودمند
مقابل	روبرو
مقابله	رویاری
مقاربت	هماغوشی
مقارن	همزمان، همهنگام
مقاله	نوشتار
مقام	جایگاه
مقامات	سروران
مقاوم	پایدار
مقاومت	پایداری، ایستادگی، ایستاده گری
مقایسه	سنجش، هم سنجی
مقایسه می کنم	می سنجم
مقبره	آرامگاه
مقبول	پذیرفته
مقتول	کشته

مقتولین	جان باختگان، کشتگان
مقدار	اندازه، پاره
مقداری	اندکی، چندی
مقدس	ورجاوند، سپند، اشو
مقدماتی	آغازین
مقدمه	پیشگفتار، سرآغاز، دیباچه، پیش درآمد
مقدور	شدنی
مقرّ	پایگاه، ستاد
مقر سپاه	ستاد سپاه
مقرر	بربست، دستور
مقررات	آیین نامه
مقروض	بدهکار، گناهکار
مقصر	گناهکار
مقصود	خواسته، آهنگ شده
مقطع	پایه، برش
مقطعی	دوره ای
مقطوع النسل	بی فرزند
مقننه	آیینگذاری
مقتی	چاه کن
مقوله	زمینه، گویه
مقوی	نیرو بخش
مقید	پابسته
مقید بودن	پابستگی
مقیاس	پیمانہ
مکاتبه	هم نویسی
مکار	فریبا
مکافات	پادافره
مکان	جا
مکانیزم	سازوکار
مکتب	آموزشگاه، اندیشگاه
مکتوب	نوشته
مکت	درنگ
مکر	فریب، ترفند، نیرنگ
مکرمه	گرامی
مکروه	ناپسند، زشت
مکشوف	یافته
مکشوفه	نویافته

مکلف	ناچار، وادار
ملت	مردم
ملی	مردمی، مردمانه
ملاح	ملوان، دریانورد
ملاحظه کردن	درنگریستن، پوشیدن
ملاط	آژند
ملاقات کرد	دیدار کرد
ملامت	سرزنش، سرکوفت
ملتزم	پایبند
ملحق شدن	پیوستن
ملحقات	پیوست ها
ملزومات	پیش نیاز
ملک	فرشته
ملکه	شهبانو
ملی	میهنی
ممارست	پشتکار
ممانعت	بازدارندگی، بازداری، جلوگیری
ممانعت کردن	بازدارندگی، بازداری، جلوگیری
ممتحن	آزمونبان
ممتد	دنباله دار، پیوسته
ممکن	شدنی
ممکن	شدنی
مملکت	کشور، قلمرو
مملو	پر، لبریز، آکنده
مملو کردن	آکندن
ممنوع	بازداشته
ممنون	سپاس، سپاسگزار
ممنونم	سپاسگزارم
منابع	سرچشمه ها، بن مایه ها
مناجات	راز و بیاز
منادی	پیام آور
مناره	گلدسته
منازعه	درگیری، ستیز
منازل	خانه ها
مناسب	پسندیده، درخور، شایسته، همشکل
مناسبت	فراخور
مناطق آزاد	آزادگاه ها



گفتمان، گفتاورد، هم نگری	مناظره
ارزان خرید	مناقصه
سرچشمه، بن مایه	منبع
زین پس	من بعد
برگزیده	منتخب
افشاندن، پراکندن، پخش کردن، پراشیدن، چاپ کردن	منتشر کردن
چشم براه	منتظر
خرده گیران	منتقدان
خرده گیران	منتقدین
ترا بردن	منتقل ساختن
ترا بردن	منتقل کردن
پایان	منتهی
به پایان رسیدن، انجامیدن، فرجامیدن	منتهی شدن
اخترشناس	منجم
انجامیده، انجامیدن، فرجامیدن	منجر شدن
یخبسته	منجمد
کژ رو	منحرف
بی همتا	منحصر به فرد
برچیده شد	منحل شد
برچیدن	منحل کردن
کمان، کمانی	منحنی
رویهمرفته	من حیث المجموع
نوشته شده	مندرج
رانده شده، ترسانده شده	منزجر
خانه	منزل
پاک	منزه
گوشه نشین، جدا	منزوی
گوشه نشین ساختن	منزوی ساختن
هماهنگ	منسجم
سرآغاز، خاستگاه	منشاء
نوشته ی سرگشاده	منشور
دادور	منصف
دادورانه، دادگرانه	منصفانه
گماشتن، گماردن	منصوب کردن
برابری، دمساز	منطبق
خردورزی	منطق
سامان، دامنه	منطقه

منطقه آزاد	آزادگاه
منطقه آزاد تجاری	آزادگاه بازرگانی
منطقی	بخردانه، خردورز
منظره	چشم انداز
منظم	سازمند، بسامان، بچم، با چم، آراسته
منظور	فردید، خواست
منظوم	وافته
منظومه شمسی	کھکشان خورشیدی
منع	بازداری
منع کردن	بازداشتن، جلوگیری کردن
منعقد کردن	بستن
منعقد	بسته شده
منعکس	بازتابیده، پژواکیده
منعکس کردن	بازتابیدن
منفجر	گشوده شده، شکافته، ترکیده
منفرد	تکین، تکتا
منفعت	سود، هوده
منفک	جدا
منقدان	خرده گیران
منقل	آتشدان
منقوش	نگارین، برنگاریده
منکر شد	زیرش زد
منکسر کردن	پراشیدن
منور	پرتو افشان، درخشان
منهدم	نابود
منوط به	وابسته به
مهاجر	کوچنده
مهاجرت	کوچ
مهاجرت کردن	کوچیدن
مهارت	چیرگی، زبردستی، چیره دستی
مهر	نشان
مهلک	مرگبار، کشنده
مهم	برجسته، مهند، مهین
مهیا	آماده
مواجه	روبرو
مواجهه	رویایی، رودرویی
مواد اولیه	ماده های نخست

موارد	نکته ها
مؤاخذة	بازخواست
موازنه	همسنگی، برابری
موازنه قدرت	برابری نیروها
موازی	هم راستا، هم رو، هم سو
موافق	سازگار، همساز، هم اندیشه، همداستان
موافقت	پذیرش
موافقم	همداستانم
مؤثر	کارساز، کارگر، هناینده، هنایا
موج	خیزاب، آب خیز
موجب	مایه
موجب نگرانی شد	مایه نگرانی شد
موجبات	زمینه ها، بایسته ها
موجه	پذیرفتنی
موجود	پدیده، باشنده
موجودی	دارایی
موجودیت	هستی
مؤخرین	پسینیان
مؤرخ	گذشته نگار
مؤرد	باره
مؤرد نظر	دلخواه
مؤزه	دیرینکده
مؤزون	آهنگین
مؤسس	بنیادگذار، پایه گذار
مؤسسه	بنیاد، نهاد، سازمان
مؤضع	جایگاه
مؤضوع	جستار، باره، فرنام، نهاد شده
مؤعد	زمان
مؤعود	سررسید
مؤفق	پیروز، کامیاب
مؤفق باشید	پیروز باشید
مؤفقیئت	کامیابی
مؤقت	گذرا، زودگذر
مؤقع	هنگام
مؤقعیئت	ایستار، جایگاه
مؤلف	نویسنده، گردآورنده
مؤلود	فرزند

باورمند	مؤمن
ماده، مادینه	مونث
همدم، همنشین	مونس
پیروز، بیانگر	موید
خبرگی، استادی، زبردستی	مهارت
برانگیزنده	مهیج
میدان ها	میادین
فراهم، شدنی	میسر
شدنی است	میسر است
شدنی بودن، فراهم بودن	میسر بودن
فراهم شدن	میسر شدن
فراهم کردن	میسر کردن
کشش، خواسته	میل
زادروز	میلاذ
خجستگی، همایونی	میمنت
خجسته، همایون	میمون
ریزنگاره	مینیاتور
ریزنگاری	مینیاتوری
ریزنگارنده	مینیاتوریست
<b>بازگشت</b>	<b>ن</b>
ناسزا، ناروا	ناحق
ناپالوده	ناخالص
بی دادگری	ناعدالتی
دست یافتن	ناشل شدن
کمیاب	نادر
پشیمان	نادم
آزرده، اندوهگینف ناسوده، نژند	ناراحت
ناخشنود	ناراضی
ناخشنودی	نارضایتی
فروفرستاده	نازل
فروفرستادن	نازل کردن
ملت باوری، ملت خواهی	ناسیونالیسم
ناسپاسی	ناشکری
برآمده از	ناشی از
برآمده است	ناشی شده است
بر می آید	ناشی میشود
سخنران، سخنگو، گویا، گوینده	ناطق

ناقص	نارسا، کم
نامبارک	ناخجسته
نامتناسب	بی قواره
نامرتب	نا به سامان
نامرتبی	نا به سامانی
نامطلوب	ناپسند
نامنظم	نابسامان
نامنظم	نا به سامان، نا به سامانی
ناموفق	ناکام
نامیمون	ناخجسته
نایب	جانشین
نبات	بررسته، گیاه
نبض	تپش
نتیجه	دستآورد، پی آمد، سرانجام، فرجام، بازده، برآینده، برآمد
نتیجه کار	پیامد کار
نتیجه گیری	پی، برداشت
نچار	دروگر
نچاری	دروگری
نجات	رهايي
نجوم	اخترشناسی
نجیب	پاک نهاد، نیک نهاد
نحس	گجسته، وارون، بدشگون، بد اختر
نحوه	روش، شیوه
نحوه کار	روش کار
ندامت	پشیمانی
ندرتاً	گاهی، گهگاهی
نرم	هنجار
نرمال	بهنچار
نزاع	درگیری، کشمکش
نزول	پایین آمدن، فروفرستادن
نزول پول	بهره پول
نزولی	کاهنده
نسبت	بستگی، در برابر، هارفت
نسبت به	بسته به
نسبتاً	تا اندازه ای، کمابیش، به سنجش
نسبی	کمابیش
نسخه	رونوشت

دودمان	نسل
زنان	نسوان
شادی، شور	نشاط
گاهنامه	نشریه ادواری
هفته نامه	نشریه هفتگی
گذاشتن	نصب کردن
نیم، نیمه	نصف
پند، اندرز، سفارش	نصیحت
پنددادن، اندرز دادن	نصیحت کردن
سخنرانی، سخنوری	نطق
وارسی، بازبینی، بازرسی	نظارت
بیننده	نظاره گر
پاکیزگی	نظافت
پاکیزه نگه دارید	نظافت را رعایت کنید
سامانه	نظام
سامان نامه	نظامنامه
نگر، نگرش، بینش، دید	نظر
از آنجا که	نظر به اینکه
انگاره، دیدمان	نظریه
سامان، هماهنگی، رایش، چم	نظم
مانند، همانند، همتا، همدوش	نظیر
تن	نفر
بیزاری	نفرت
دم	نفس
سود، بهره	نفع
سود ویژه	نفع خالص
رخنه	نفوذ
گرانمایه، باارزش، ارزنده	نفیس
نگارگر، نگارندهف چهره پرداز	نقاش
نگارگری	نقاشی
نگاره	نقش
دست داشتن	نقش داشتن
ره نامه	نقشه
کمبود، کمداشت، نارسایی، کاستی، کمی	نقص
گرانیگاه	نقطه ثقل
سسست نا، آسیب گاه	نقطه ضعف
چرخشگاه	نقطه عطف

دیدگاه، نگرش	نقطه نظر
گفتاورد	نقل قول
بازگکردن، بازگفتن	نقل کردن
دشواری، کاستی	نقیصه
نکته ها	نکات
ناشناس	نکره
شماره	نمره
نمک خوراکی	نمک طعام
پایان	نهایت
سرانجام	نهایتاً
پایانی، فرجامین، انجامین	نهایی
جنبش	نهیضت
کاستی ها	نواقص
پستا	نوبت
شید، فروغ، روشنایی، پرتو	نور
دروشن، درخشان	نورانی
نوشته ها	نوشتجات
گونه	نوع
خواستہ	نیت
نیروی گرایش	نیروی جاذبه
<b>بازگشت</b>	<b>و</b>
وگرنه	و إلا
بایا، بایسته	واجب
دارایی	واجد
یکتا، بخش، یکا، یگان	واحد
ریگمند	وارث
دانشواژه	واژه تخصصی
میانجی	واسطه
رسیده، دریافتی	واصله
روشن، آشکار، هویدا، نمایان	واضح
سخنران، سخنور	واعظ
به راستی	واقعاً
رویداد، رخداد، پیشامد	واقعه یا اتفاق
راستین	واقعی
راستینه، راستینگی	واقعیت
آگاه	واقف
مایه کوبی	واکسیناسیون

واکمن	پخش همراه
والا	وگرنه
والد	پدر
والده	مادر
والدین	پدر و مادر
والله	به خدا
والی	استاندار
واهی	بی بنیان، سست، فروهشته
وب سایت	تارنما
وبلاگ	تارنگار
وثیقه	پشتوانه
وجب	وژه
وجدان	فرجاد، یابش
وجود	هستی، فرتاش
وجود دارد	می باشد
وجود داشتن	جای داشتن
وجود نداشتن	جای نداشتن
وجوه مشترک	روی های یکسان
وحدت	همبستگی، یکپارچه گی، یگانگی
وحشت	هراس، ترس، بیم
وحشت کردن	ترسیدن، هراسیدن
وحشتناک	هراسناک، ترسناک، هراس انگیز، دهشتناک
وحشی	دد، ددمنش، درنده
وحشیانه	ددمنشانه
وخامت	ناگواری، گرانباری، سختی
وخیم	ناگوار
ودیعه	سپرده
وراث	بازماندگان
وراثت	همریگی
وراجی	پرگویی
ورق	برگه
ورم	آماس
ورم کردن	آماسیدن
ورود	درونشد، درونروی
ورید	رگ، سیاهرگ
وزن	آهنگ، وزن
وزین	سنگین



وساطت	میانجیگری، میانجی
وساطت کردن	میانحیگری کردن
وسط	میان، میانی، میانه
وسعت	گستره
وسواس	دودلی، اندیشه ی بد
وسیع	فراخ، دامنگیر، گسترده، پهناور
وسيله	دستاویز، دست آوی، ابزار، افزار
وصل	پیوند
وصول	دریافت
وصیتنامه	درگذشتنامه، سفارشنامه
وضع	نهشت، برنهادن
وضع حمل	زایمان
وضعیت	چگونگی، جایگاه
وضو	دست نماز
وضوح	روشنی، روشن شدن
وطن	میهن، زادبوم
وطنی	میهنی
وظیفه	خویشکاری
و عده کردن	پیمان بستن
وفات	مرگ، درگذشت، میرش
وفور	فراوانی، فراوان
وقاحت	بی شرمی
وقایع	رویداد ها
وقت	گاه، زمان، هنگام
وقتی که	هنگامیکه
وقتی که در باز شد	هنگامی که در باز شد
وقفه	ایستایی، درنگ
وقیح	بی شرم
وکالت	نمایندگی، جانشینی
وکالت با عزل	نمایندگی
وکالت بی عزل	جانشین
وکیل	نماینده
وکیل مجلس	نماینده مجلس
ولادت	زادروز
ولاغیر	و دیگر هیچ
ولاغیر	و دیگر هیچ
ولی	سرپرست

ولیعهد	جانشین
ویدنو پروژکتور	نما افکن
ویرگول	درنگ
ویزا	روادید
ه	بازگشت
هادی	رهنما
هال	سرسرا
هتاک	ناسزاگویی
هتک	ناسزا، دشنام
هتک حرمت	آبروریزی، آبروبری
هتل	مهمانسرا، مهمانخانه
هجا	واج
هجران	دوری، جدایی
هجوم	آفند، تک، تازش، یورش، ناخت
هد هد	پوپک
هدایت	راهنمایی، دهنمود، راهبری کردن
هدف	انگیزه، آماج، آرمان، نشانه، بُرجاس
هدیه	ارمغان، پیشکش
هذیان	پریشان گویی، بیهوده گویی
هراس	ترس
هزارنفر	هزارتن
هضم کردن	گواردن
هلاک کردن	نابود کردن
هلاکت	نابودی
هلیکوپتر	بالگرد، چرخ بال
همان طور	همانگونه، همان جور، هم انسان
همت	تلاش، پشتکار
هم جنس	هم گن
همجهت	همسو
هم عقیده	همداستان، هم اندیشه
همفکران	هم اندیشان
هم معنی	هم چم، هم آرش
هم وطن	هم میهن
همه جانبه	همه سویه
همینطور	همینگونه
هوش مصنوعی	هوش واره
هول	هراس

هولناک	هراس انگیز، ترسناک
هویت	نام و نشان، کیستی
هینت	گروه، ریخت، دسته
هیات تحریریه	گروه نویسندگان
هیبت	بزرگی
هیج وجه	هیچگونه
هیجوقت	هیچگاه
ی	بازگشت
یاغی	سرکش
یاقوت	یاکند
یأس	ناامیدی
یتیم	بی سرپرست
یقین	باور
یقیناً	بی گمان
یک ذره	یک خرده
یک ربع	یک چهارم
یک عده	شماری
یکطرفه	یکسویه
یورتمه	چارگامه
یومیه	روزانه